

نشده باید فرق و تفاوتی گذاشت
(همایون و قیل و قال)

رئیس: (خطاب به آقایان و کلام)
آقا بگذارید اظهارات خودشان را
بنمایند

حائری زاده - بعضی از مواد قانون
اسلام را که بصرفه و صلاح مالکین است
گرفته و سایر مواد را مسکوت نه گذاشته ایم
قانون اسلام برای تأمین آزادی در دنیا
پیدا شد و خیلی بهتر عملی تر آزادی را
تأمین می کند تا آن مرامنامه های غیر عملی
که احزاب مختلفه برای نیل به آرزوی خود
نوشته اند و بهوض اینکه تمام مواد این
قانون عظیم ایشان را بموقع اجرا گذاریم
فقط يك كله تعجیر را از آن میان گرفته و
باقی را مسکوت نه می گذاریم. یکنفر
نباید صحرا را تصحیص بخودش بدهد
و رعایا را از استفاده کردن گیاه صحرا
باز دارد و اگر این طور باشد دو مالیات از
مردم گرفته می شود یکی بعنوان حق المرتع
دولت و ملاکین خواهند گرفت یکی هم
بعنوان مالیات در گمرک مطالبه خواهند
نمود بهر جهت بنده کاملاً با این قانون
مخالف هستم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله جناب
عالی هم مخالفید؟

حاج شیخ اسدالله - بلی
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا
چطور؟

محمد هاشم میرزا - بنده هم
مخالفم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
موافقت؟

آقا سید یعقوب - بلی
رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب آقای حائری زاده اینکه
الناس مسلطون علی امراهم و انفسهم قانون
مقدس اسلام است آقا آمده اند عنوان
کارگر را در دست گرفته و بر قرآن و قانون
مقدس اسلام حمله می کنند آقا این حمله
بر قرآن نمی شود احکام قرآن و دیانت
اسلامی افراد مسلمان را بر مایملک خود سلطه
و اختیار داده است کسی که جانی را تعجیر
کرد مالک آن می شود و وقتی مالک آن شد
تصرف و غصب نمودن آن برخلاف قانون
اسلام است و اگر کسی معتقد بدیانت اسلام
باشد می داند که اگر يك وجب زمین کسی
را غصب کند روز قیامت طوقی از آتش
به گردن او انداخته می شود

حائری زاده - بنده منکر قوانین
اسلام نیستم و عریض من قانون اسلامیت
را از بین نمی برد

رئیس: (خطاب به حائری زاده) وقتی
شما حرف میزدید ب دیگران گفتیم ساکت
باشند و اظهارات شما را بشنوند خوبست
شما هم نسبت بسایرین همین ملاحظه را

بکنید

آقا سید یعقوب - لوازم مالکیت
آثارش مداخله کردن در ملک است کارگر
و رنجبر ایران همه مسلمان هستند شخص
مسلمان باین حرفها دست از مسلمانی و
مذهب خود بر نمی دارد و آنها دارای
عقاید يك اسلامی هستند می خواهند همانطور
که مسلمان با بر صه و جوه گذارده اند مسلمان
هم از این نشاء بروند اراضی که مردم
خریده اند معین است و اراضی هم که بالسطوع
و الرغبه با کمال میل و از روی اشتیاق
دین مبین و شریعت اسلام را قبول کرده
اند معین است و همینطور اراضی که لشکر
اسلام قهرآ بر آن تسلط و سلطه پیدا کرد
او هم معین است و بموجب قانون اسلام هر
کس اراضی را تصرف کرد مالک او میشود
حتی اینکه بعضی حق المار را جائز میدانند و بعضی
از فقهاء عقیده شان بر این است که آن هم جائز
نیست تصرف در مال غیر بدون اجازه صاحبش
حرام است همان دیانت اسلام که شما آن
را برای آزادی حربه فرار می دهید برای
مالکیت حدوری معین کرده است اگر
شما می خواهید قانون اسلام را تبعیت کنید
خوبست باین الفاظ متکی نشوید و صریحاً
مسئله را بگوئید که من عقیده دارم که
بطون اودیبه و رؤس جبال متعلق بامام است
و او را بدست شیعیان داده و هر شیعه
آن ها آباد کرده متعلق باو بشود
پس هر کس این اراضی تعجیر کرد
متعلق بخودش می شود اینها يك چیز
هائی است که اصلاً مذاکره لازم ندارد
مخالفتی که بنده دارم از این نقطه نظر است که
صدی چهار برای مالیات کثیرا کم است و
باید صد پنچ معین شود

رئیس - آقای شیخ اسدالله
(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده نه از نقطه نظری
که آقای حائری زاده فرمودند با این
لایحه مخالفم بلکه از نقطه نظر دیگری
است که اظهار مخالفت میکنم و به آن تندی
که آقای آقا سید یعقوب بیان فرمودند
بنده عرض نمیکنم بلکه با برهان و دلیل
ایشان را رد میکنم.

تصرف افراد در زمین های آبگیر
بدون رضایت صاحب آن هیچ صحیح نیست
و در زمان خود ائمه هم همین طور بوده و
در تصرف مالکین بوده و امام هیچ دخالتی
نداشتند و هیچ اظهاری هم نکرده و خود
امام این را بعنوان تفریر تصدیق
کرد.

رئیس - از مطلب دور نیفتید

حاج شیخ اسدالله - از این مطلب می
گذریم ممکن است در خارج با آقای
حائری زاده مذاکره کرد فانهشان کنم و
گمان می کنم اشتیاء فرموده اند در هر
صورت نسبت بآن قسمت از عریض خودم

عرض میکنم که این قانون اگر بنا شود
باین ترتیب بموقع اجرا گذاشته شود بر
خلاف قانون اساسی است
آقایان در مورد تفسیر و ترجمه يك
ماده قانون اساسی چقدر حرارت می کنند
ولی در این جا که صریح قانون اساسی
است برای اینکه مالیات کثیرا از بین
رود از قانون اساسی صرف نظر می -
کنند.

بنده الان این چند اصل قانون اساسی
را می خوانم ملاحظه بفرمائید اصل شانزدهم
می گوید کلیه قوانین که برای تشبه مبنای
دولت و سلطنت و انتظام امور مملکت و
اساس وزارتخانه ها لازم است باید بتصویب
مجلس شورای ملی رسد.

اصل هفدهم لوايح لازم را در ایجاد
قانونی یا تفسیر و تکمیل و نسخ قوانین
موجوده مجلس شورای ملی در موقع لزوم
حاضر می نماید که بتصویب مجلس
سنا بصحه همایونی رسانده بموقع اجرا گذارده
شود

(يك نفر از نمایندگان مجلس
سنا که نداریم)

حاج شیخ اسدالله - اجازه می فرمائید
که بنده هم می دانم ماده دیگری هست که
تا زمانیکه مجلس سنا نیست مجلس شورای
ملی باید بموقع اجرا گذاشته شود پس
مسئله سنا از بین می رود فقط تصویب مجلس
باصحه همایونی باقی میماند

محمد هاشم میرزا - اصل دیگری هم
هست بخوانید

حاج شیخ اسدالله - بلی اصل چهل
و نهم هم هست

ولی این اصل راجع بقوانین هست و
راجع بقوانین مجلس نیست خلاصه باید
قوانین موضوعه بصحه همایونی برسد برای
اینکه قانون اساسی این طور می گوید
اگر هم مطلب غیر از این باشد

باید مجلس اول این مطلب را حل
بکند

پس از آن رسمیت باین قانون بدهد
در این جا نوشته است

وزیر مالیه مأمور اجرای آن است
و ابداً اسمی از امضای اعلیحضرت نیست
پس در صورتی دولت می تواند
این قانون را بموقع اجرا
گذارد که بامضای اعلیحضرت برسد
و ممکن است اعلیحضرت تلگراف خود و
تلگرافاً اجازه بدهند و تازمانی که بامضاه
نرسد (چون سابقه هم دارد که بامضاه میرسد)
عقیده بنده این است که این قانون بلکه هر
قانونی که بامضای اعلیحضرت را ندارد
رسمیت ندارد مگر آنکه قانون اساسی را
تغییر کنند

مخبر - بنده حقیقتاً منظور نظر آقای
حاج شیخ اسدالله را نمی فهمم آیا مقصودشان

این است که این قانون اجرا نشود و از
مجلس نگذرد یا اینکه موقع اجرای آن
بگذرد در این جا يك ماده نوشته نشده است
که بصحه اعلیحضرت نرسد و همچنین در
قوانین يك ماده مخصوصی راجع بصحه
همایونی نوشته نمی شده است که ما در این
قانون آن ماده حذف کرده باشیم يك
وظیفه ایست که عملاً دولت باید انجام دهد و
البته دولت هم تکلیف خود را می داند و
عملیاتی را که لازم است برای قانونی شدن
يك قانون بجا می آورد بعلاوه نوشته شده
است پس از تصویب و تصویب مراتبی دارد
بنده نمی دانم در سایر قوانین که از مجلس
گذشت آقای حاج شیخ اسدالله چرا این
مسئله را متذکر نشدند و در این جا اینقدر
جدیت می نمایند

رئیس - مسئله دیگری هم عنوان
کردند و آن این بود که تا قانون بامضای
اعلیحضرت نرسد رسمیت ندارد اگر صورت
ظاهر قانون اساسی را بخواهید معنی کنید
این طور نیست و هر قانونی که از مجلس می
گذرد باید بامضاه برسد حالا اگر شما
مقصودتان این است يك قانونی که از مجلس
گذشت اگر پنج ماه یا شش ماه گذشته و
امضاه نشد قانونیت ندارد روح قانون اساسی
بر خلاف این است

(جمعی از نمایندگان صبح است)
راجع بکلیات دیگر مخالفی نیست؟
(اظهاری نشد)

رای می گیریم باین قانون که مشتمل
بر چهار ماده است که فرداً رای گرفته
شد آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید
و آقایانی که تصویب نمی کنند ورقه کبود
خواهند داد

(در این موقع اخذ آراء بعمل آمده
آقایان منتصر الملك و امیر ناصر تعداد نموده
نتیجه بقراردیل حاصل گردید)

عده حضار ۷۵ ورقه سفید هامت قبول

۵۴ ورقه کبود علامت رد ۱۵ امتناع ۹
رئیس - از ۷۸ نفر حضار با کثرت

۵۴ رای تصویب شد

اسامی قبول کنندگان

آقایان میرزا ابراهیم خان ملک آرائی
دکتر لقمان • سید حسن خان بلوچ •
مؤتمن السلطنه • عماد السلطنه خراسانی
رئیس التجار • امین الشریعه • آقا سید
یعقوب • سالار معظم • حاج میرزا تقی
خان نائینی • فتح الدوله • شیخ ابراهیم
زنجانی • بیان الملك • مساوات • امیر
ناصر • احتشام الدوله • میرزا ابوالقاسم
خان فیوضات • شیخ العرافین زاده • وکیل
الملك • ملک الشعراء • میرزا شهاب
الدین • ناظم العلماء • عدل السلطنه •
رکن الملك • قوام الدوله • سهام السلطان
اقبال السلطان • سدید الملك • حاج
میرزا علی محمد دولت آبادی • همید -

الممالك • آقامیرزا ابراهیم قلی • جلیل الملك • وقار الملك • حاج نصیر السلطنه شیخ الاسلام ملایری • آقا میرزا طاهر تنکابنی • آصف الممالك • میرزا محمد نجات • محمد ولی میرزا • عماد السلطنه طباطبائی • حاج امین التجار • رفعت الدوله • میرزا محمد حسین صدرائی • آقا سید فاضل • آقا سید محمد تقی طباطبائی • آقا سید محمد تدین • سردار مفهم • معتمد التجار • سلیمان میرزا • آقامیرزا محمد صادق طباطبائی • ناظم دفتر • سردار معظم کردستانی و سیدالاحقین • آقا سید حسن مجتهد کاشانی

اسامی رد کنندگان

آقا میرزا هاشم آشتیانی • حاج شیخ محمد حسین گروسی • نظام الدوله حاج میرزا عبدالوهاب • صدر الاسلام بهری فضنفرخان • حائری زاده • معتمد السلطنه اسان الملك • منتصر الملك • مستشار - السلطنه • میرزا علی کازرونی • ارباب کیخسرو • بهاء الملك • حاج میرزا مرتضی •

رئیس اگر آقایان مایل باشند چند دقیقه تعطیل شود

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله بنده نسبت به رایض خودم خواستم يك توضیحاتی بدهم تصور می کنم مقاصد بنده سوء تفسیر یا سوء تعبیر شده بنده مطابق قانون اساسی نظرم بود که مسئله جمع و خرج مملکت از وظائف مختصر مجلس شورای ملی است و در این قسمت هیچکس حق دخالت ندارد نه اعلی حضرت نه مجلس سنا و راجع بقوانین موضوعه هم عرض نکردم که گذشتن از مجلس رسمیت ندارد عرض کردم باید از مجلس بگذرد پس از آن بامضای شاه برسد که نمی تواند امضاء نکنند و مجبور است تصمیمات مجلس را امضاء کنند.

رئیس - ۲ فقره تقاضا از طرف وزارت مالیه رسیده است قرائت می شود اگر تصویب می فرمایند حالا مذاکره شود و اگر هم بخواهید بماند برای جلسه دیگر.

(بشرح ذیل

قرائت شد)

مجلس مقدس شورای ملی

شیدالله ارکانه

احتراماً بمرض می رساند که تهاجم ارباب شهریه بگیر وزارت مالیه باندازه ایست که اوقات کار کثرت این وزارت خانه را بکلی مشغول داشته اند نظر به اینکه مدت ۳ برج از هذالسنه گذشته و

شهریه بگیرها معطل و مخصوصاً اغلب آنها از فقراء وضعفا و نهایت استیصال و بیریشانی را دارند برای رفع این مزاحمت مقتضی است مقرر فرمائید مطابق صورتیکه از تصویب کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی گذشته است عجلتاً شهریه ها پرداخته شود تا صورت کل شهریه بگیرها از تصویب مجلس شورای ملی گذشته و رسماً بوزارت مالیه ارسال گردد در تعقیب معروضه ۱۴۹۶ و ۵۲۱۸ این وزارتخانه تذکراً تصدیق می دهد که نظر بفشار فوق العاده صاحبان مستعمری مقتضی است اجازه باید از مجلس محترم مجلس شورای ملی صادر شود که فعلاً مستعمرات را بارهای مصوبه بودن در مجلس فوی ثیل ۲۵ در حدود مقررات مطابق سنوات قبل قبض صادر گردد تا تصمیم کلی راجع بتمام مستعمرات و شهریه ها در مجلس مستعمر اتخاذ شود.

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده همیشه دیده ام که بنام فقراء اغنیا استفاده می کنند اگر مقصود آقای وزیر مالیه این است که شهریه فقراء وضعفا را بدهند بنده کاملاً موافقم و خوبست بکندی برایش معین فرمایند والا بنده می بینم با اجازه گرفتن برای فقرا اول حواله ۲ هزار تومان برای اغنیا صادر می شود و برای شهریه ۲ تومان و ۳ تومان فقراء که تا آخرین مرحله می روند عاقبت باو خواهند گفت پول بگو و برای زیر صاحبان نفوذ پول هارا بردند و برای شما چیزی باقی نگذاشتند پس خوبست آقای وزیر مالیه حداکثر شهریه ها را که می خواهند بپردازند معین فرمایند که تا چه میزان را خواهند پرداخت تا معلوم شود فقرائی که اسم برده می شود ۲ هزار تومان شهریه بگیرد در آنها هست یا خیر ؟ اگر اینطور باشد بنده باین فقراء مخالفم ولی اگر تا ۵ تومان و ۳۰ تومان باشد و آن هم حقیقتاً فقیر باشند عرض ندارم و از این گذشته اگر پول دارند لازم می دانم يك قدری بدارد نظمی بپردازند چون باید در نظر داشت که در این مجلس هر وقت خواستیم مطالب طرف مقابل را رد کنیم اول کلمه حرفمان جمله مشعش آسایش و امنیت بود این جمله ها یکی از لوازمات شهریه دادن به آزانهاست اگر آزانها حقوق مرتب داده نشود و آنها سر پست های خودشان حاضر نشوند چه طور می شود از آنها امنیت و مسئولیت خواست ؟ در صورتی که حقوق شش ماه را طلب دارند خوبست از آن پول موجود اول حقوق آزانها را بپردازند بعد از آن مواجب معلمین بپردازند و بعد به فقرای شهریه بگیر تاسی تومان بدهند

اگر باین ترتیب باشد بنده موافقم و الا کاملاً مخالفم
وزیر مالیه - عرض از این پیشنهاد که بمجلس شدند تنها این است که وزارت مالیه و هیئت دولت در زحمت هستند بلکه خود آقایان تصدیق می فرمایند که مجلس شورای ملی بیشتر در زحمت است چون عده اشخاصی هستند از ضعیفانی بضاعت که شهریه های جزئی دارند آنها الان دو قسم مترازل هستند یکی آنکه مترازل هستند که آیا مجلس حقوق آنها را کسر کرده یا خیر؟ این است که متصل بدار مجلس هستند یا در وزارتخانه که اساساً بدانند مجلس با شهریه آنها چه کرده قسمت ثانی برای پرداخت شهریه است و اینکه بنده تقاضا کردم اجازه بفرمائید مطابق تصویب کمیسیون قبضهای آنها صادر شود نباید تصور شود که يك پول موجودی است که فوراً بانها داده شود بلکه برای این است که اطمینان خاطر آن ها فراهم بیاید و شاید يك قدری کمتر اسباب زحمت بشوند و اگر بخواهند این مطلب در مجلس مذاکره شود مدتی طول میکشد این بود که استدعا کردم اجازه بفرمائید مطابق تصویب کمیسیون اجازه داده شود قبوضات آنها صادر شود بعد نظریاتی را که مجلس در صورت مستعمرات اتخاذ خواهد نمود از همان قرار رفتار خواهد شد و این نکته را به آقایان مخصوصاً به آقای سلیمان میرزا عرض میکنم که بنده در مدت تصدی خودم هیچوقت اغنیا را بر فقرای ترجیح نه داده ام و حتی الامکان تا اندازه که برای من ممکن بوده است حقوق اشخاصی را که جزئی بوده است عقب انداخته ام مخصوصاً نظمی راهمیشه بر سایر ادارات مقدم داشته ام سؤال فرمائید ببینند که در مدت تصدی من در آخر هر برج حقوق آنها فوراً پرداخته می شود حالا اگر گاهی و انانی یا اجباراتی پیش آمده که حقوق آنها معوق مانده است تقصیر بنده نیست این ها نکاتی است که بنده همیشه خود را ملزم بر رعایت آنها می دانم و همیشه رعایت هم کرده ام اما اینکه می فرمائید حقوق تاسی چهل تومان محدود شود تصور میکنم فقیر و غنی از کم و زیادی حقوق معلوم نمی شود يك عده اشخاصی هستند که ماهی بیست سی تومان دارند و چندان خرجی ندارند و اشخاصی هستند که ماهی صد تومان یا دویست تومان حقوق دارند و حال آنها خیلی بدتر است زیرا باندازه خودشان تکلیفات دارند و خرج يك عائله را باید بدهند که ماهی دویست تومان هم کفایت مخارج یومی آنها را نمی کند این است که بنده عرض می کنم فقیر و غنی را از روی حقوق نمی شود تشخیص داد و اشخاصی که بمجلس آمده و از رسیدن حقون و عدم صدور قبوضات خود شکایت کرده اند البته آنها را ملاحظه فرموده اند که هیچکدام آنها جزء اغنیا نیستند و

متأسفانه يك عده اشخاصی هستند که همیشه اسمشان در جزء اغنیا ثبت می شود در صورتی که هیچ ندارند و مقصود از این پیشنهاد این بود که يك زحمتی را از مجلس شورای ملی و هیئت دولت و وزارت مالیه کم کنیم چون صاحبان حقوق هر روز مانع کار و اسباب زحمت تمام ادارات شده اند لهذا استدعا می کنم اجازه بدهید قبوض شهریه مطابق آنچه در کمیسیون بودجه مجلس تصویب شده صادر و پرداخته شود تا این که تکلیف قطعی آنها بعد معین شود و هم چنین قبوض مستعمرات و وظایف مطابق سند فوی ثیل مصوبه مجلس صادر شود تا تصمیمات مجلس در باب آنها بعد معلوم شود البته قبوضات مستعمرات يك تصویبی دارد که آن تصویب فوی ثیل گذشته است و بواسطه اختلافات و تفاوتی که در این مدت بواسطه نرسیدن وجه پیدا شده است امروز بنایستی همانطور رفتار شود پس در اساس آنها حرفی نیست و يك قسمت از آنها هم به موجب وظایف از بین رفته است پس آنچه که قانوناً باقی مانده مطابق سند ماضی قبض صادر شود و در ولایات هم اعلام شود قبوض ساکنین آنها را هم صادر نماید تا بعد هر چه مجلس شورای ملی تصویب کرده البته وزارت مالیه هم بموقع اجرا خواهد گذاشت

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت؟

حاج شیخ اسدالله - بلی

رئیس - آقای مدرس

مدرس نسبت بیک فقره موافقم و نسبت بفقره دیگر مخالف

رئیس - پس این دو قسمت را تجزیه می کنیم اول شهریه مطرح است

مدرس - با شهریه موافقم

رئیس - پس بعد از يك مخالف بفرمایند آقای سید یعقوب چه طور؟

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای کازرانی

آقا میرزا علی کازرانی - مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقامیرزا علی - بنده اولاً عرض می کنم تصویب کمیسیون بودجه فقط کافی نیست و باید بنظر مجلس برسد و اگر این فقره رامابه نظر کمیسیون احاله کنیم دیگر گمان می کنم باین زودی ها صورت شهریه ها بمجلس نیاید و بملاوه چنانچه

شاهزاده سلیمان میرزا فرموده اند اگر می دانستیم این شهریه ها تعلق بفقراء و ضعیفا داشت البته ماساکت می ماندیم و یا تصویب می کردیم لیکن اینطور نیست ؟ برای

اینکه این شهریه ها را از هزار تومان دارد تا کمتر و اگر بخواهیم تفکیک کنیم دچار يك مشکلات و يك معضوراتی می

(مدت قلبیابی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد سی و پنج نفر از هفتاد و هشت نفر رأی داده اند جزء دستور جلسه آتی می شود پیشنهاد دیگری آقای حاج سیدالمحققین کرده اند قرائت می شود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

در موقع تنفس جمعی از اهالی ارومیه دیده شد که با وضعی اسف آلود اظهاراتی می نمایند با سابقه که آقایان نمایندگان با اوضاع ناگوار ارومیه دارند این بنده پیشنهاد می نمایم که در همین جلسه مذاکره در باب آنها بشود که بلکه بتوجهات آقایان این جمع که در مرکز هستند آسوده و در کلیه برای رفاه سایر ارومیه ها هم که عموماً پریهان شده اند فکری بفرمایند.

رئیس - توضیحی دارید بفرمائید.

حاج سیدالمحققین - قضایای ارومیه بقیه است و البته آقایان نمایندگان مسبقاً چون جمعی از آنها آمده اند بمجلس و معلوم است اظهاراتشان غیر از فقر و پریشانی چیز دیگری نیست این است که تقاضا کرده ام آقایان نمایندگان اقدامی بفرمائید که این مهاجرین که فعلاً در طهران هستند آسوده باشند و همچنین برای سایر اهالی ارومیه هم فکری بشود.

رئیس - در موقع تنفس جمعی بطور هرج و مرج آمدند بمجلس بنده گفتم آنها را راه بدهند داخل مجلس بشوند چند نفرشان را خواستم که تقاضاهای خودشان را بگویند امتناع کردند از این که توضیحات بدهند در صورتی که آنها از توضیح دادن امتناع کرده اند بنده دیگر نمیدانم مجلس چه طور می تواند بتقاضای مبهم و غیر معلوم آنها رسیدگی کند مطلبی اگر دارند به بنده می گویند بنده این جا عرض می کنم (بعضی تصدیق کردند)

مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد.

مؤتمن الملک

جلسه یکصد و یازدهم
صورت مشروح مجلس
یوم سه شنبه سیزدهم سرطان
۱۳۰۱ مطابق هشتم ذیقعد
۱۳۶۰

مجلس یک ساعت و نیم قبل از ظهر -
براست آقای مؤتمن الملک تشکیر -
گردید

صورت مجلس یوم یکشنبه یازدهم
سرطان را آقای امیر ناصر قرائت نمودند
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا
(اجازه)

محمد هاشم میرزا - راجع به پیشنهاد آقای حائری زاده آن اعتراضی که بنده کردم و آن توضیحی که خود ایشان دادند هیچ در صورت مجلس تصریح نشده ایشان توضیح دادند که مقصود من برخلاف

اصول مالکیت نبوده و فرمودند مقصودی که داشتم این بود که آیا تعبیر موجب مالکیت می شود یا نه ؟ و آیا موافقی که مالکین آن حق استفاده دارند حق منع اظهار را دارند یا نه ؟ و نیز در آخر توضیح دادند که برخلاف اصول مالکیت پیشنهادی نداشتم و توضیح ایشان در صورت مجلس ذکر نشده است

رئیس - اصلاح می شود آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - آنجا که نوشته شده است وزیر مالیه در جواب بنده گفتند ده روز را کافی نمیدانم مثل این است که بنده همان ده روز را عقیده داشتم در صورتیکه بنده هم مخالف باده روز بودم و در صورت مجلس تصریح نشده و بنده چه قسم سوال کردم و ایشان چه نوع جواب دادند خوب است تصریح شود که معلوم شود عقیده بنده چه بوده است

رئیس - اصلاح می شود راجع به پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله هم بطوری که در صورت مجلس نوشته شده مطلب قدری ابهام دارد مجلس رأی نداده که این قانون بامضای اعلی حضرت نرسد پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله راجع بتفسیر و تغییر یکی از مواد قانون اساسی بود و در خارج هم اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی به آقای حاج شیخ اسدالله ارائه و خاطر نشان شد این بود که ایشان هم آن مطلبی را که قبلاً اشاره نموده بودند توضیح دادند و رفع شبهه ایشان شد (جمعی از نمایندگان تصدیق است)

چند فقره لوائح از طرف دولت رسیده است که بمرض آقایان میرسد

اولا - لایحه امتیاز ساختن راه -
شهریار بطهران

ثانیا - تقاضای (۳۶۸۰۰) تومان برای تأسیس مدارس رنگ سازی در ولایات

ثالثاً - یک هزار و هشتصد و هفتاد و پنج تومان و پانزده هزار فرانک مقرری و مخارج معوقه دوفتر از هیئت اعزامیه به کنفرانس صلح دیگری تقاضای شش هزار و نهصد و نود تومان اعتبار برای تعمیر وزارت هدلیه لایحه دیگر راجع به تقاضای دو هزار و چهارصد تومان بعنوان قرضه برای عادل خان زیاده خانمرف دیگری تقاضای پنجاه هزار روبیه اعتبار برای خرید عمارت ژنرال فونسلوگری در بغداد

این لوائح ارسال می شود بکمسیون های مربوطه و نیز چند فقره شهریه از چهار تومان الی ده تومان هم تقاضا شده که به کمسیون بودجه ارسال می شود قانون - استهدام مطرح است شیخ الاسلام در کلیات مخالف هستند؟

شیخ الاسلام - بلی اجازه می فرمائید؟

رئیس - بفرمایند
شیخ الاسلام اصفهانی - بنده اساساً و کاملاً با قانون استهدام موافق هستم و تصور میکنم فوائد و مصالحی دارد که خارج از بیان است حضرت امیر علی علیه السلام هم در آن دستوریه که بمالك اشتر نعامی داده اند شرح مفصلی راجع بشروط و حدود مستخدمین راجع بشروط و حدود مستخدمین بیان میفرمایند.

اما راجع باین قانون بعضی مطالب بنظرم رسید که عرض می کنم شاید آقای مخبر فرمایشاتی بفرمایند بنده قانع شوم. يك فقره که بیشتر بنده انتظار آنرا داشتم این بود که بکشور و قیودی در اینجا برای آقایان وزراء معین شود که وزراء هم مطابق يك حد و وضعی انتخاب بشوند برای اینکه دیگر کودتا درست نشود و قدرت درست نشود قرارداد و معاهده منعقد نکنند امتیاز ندهند و آن حرکاتی که شدو آن اشکالاتی که همه ما دیدیم و می دانیم دیگر پیش نیاید ولی متأسفانه این قانون را که زیارت کردم دیدم معصوماً تذکر داده اند که وزراء خارج از حدود این قانون هستند و يك مواد مخصوصی هم برای وزراء ذکر نکرده اند حالا هم بنده موافقم باینکه وزراء از تحت این مواد خارج باشند ولی بسیار لازم بود موقع می دانم که يك فصلی بر این فصول اضافه شود از برای حدود و اوصاف و شروط و قیود وزراء چون معلوم نیست دیگر کی و کجا بگذرانند يك قانون مخصوصی برای وزراء موفق شود.

مطلب دیگر که بنظر بنده رسید این است که البته قانون بمقابل خودش حکم فرما نیست مگر اینکه قید بشود بنده تصور میکنم اگر بنا شود این قانون را امروز اجرا کنند بیکی از دو قسم میشود اجرا کرد يك قسم این است که از امروز دولت کلیه تشکیلات خود را منحل کند و مطابق این قانون مستخدم قبول کند. قسم ثانی این است که تشکیلات کنونی برقرار و بجای خود باشد اما از امروز بیحد هر مستخدمی که دولت ایران خواست قبول بکند در تحت این مواد باشد ولی بنده هر چه در این قانون مطالعه کردم نفهمیدم نظر کمسیون محترم بکدام قسم است اگر قسم اول باشد که اشکالات زیادی از برای دولت تولید خواهد شد بلکه تصور می کنم دولت را فلج کند بواسطه اینکه يك عده اشخاص عالم صحیح العمل کاری که جزو مستخدمین دولت هستند ممکن است این مراتب هشت گانه یا نه گانه را که در این لایحه ذکر شده طی نکرده باشند مثلاً يك نفر آنها مرتبه ثباتی را طی نکرده باشد یا منشی اول و منشی دومی را طی نکرده باشد آنوقت مطابق این قانون دولت ناچار است يك عده مستخدم صحیح العملی که سال ها خدمت کرده اند بطور مطلق از آنها صرف

نظر بکند و اگر هم نظر کمسیون بقسم ثانی است خوب است توضیح و تصریح بفرمایند یا يك استثنائی قائل بشوند که دولت بمشغول نیفتد و مستخدمین صحیح العمل و معرب از بین نروند يك مطلب دیگری که بنظر بنده رسیده این است که مستخدمین دولت دو جنبه دارند

يك جنبه راجع بدولت و مقامات بالاتر از خودشان است و يك جنبه راجع بملت و مردم است و در این قانون ذکر شده است که مستخدمین در حدود وظایف قانونی خود مطیع بالا دست خودشان می باشد ولی هیچ معترض نشده است که سلوك آن ها نسبت بمردم چه طور باید باشد و حال آنکه شکایات متواتره از مأمورین و مستخدمین دولت می رسد و کسی بمرض نمیرسد و در هارا بروی مردم می بندند و اگر صد مرتبه يك عارض بدبخت برود می گویند کمسیون است. کمسیون است و اگر سایر مطالبی را هم که می دانم عرض کنم اسباب در دسر آقایان خواهد شد بنده مکرر در این سفر خدمت اولیای امور عرض کرده ام که آنچه بنده تجربه کردم رئیس الوزرا و وزیر از هر کس بمطالع میرسد و جواب می دهد بعد از رئیس الوزرا سایر آقایان وزراء هستند که بمطالع می رسد و جواب میدهند و اما وای به حال کسی که بدرجات بعد کارش بیفتد ابتدا اعتنا نمی کند و بعد کسی گوش نمی دهند و هدایت از کسی نمیکنند این است که بنده عقیده دارم يك تذکره مخصوصی از این قانون نسبت بمراعات ملت از طرف مستخدمین دولت بشود يك مطلب دیگر که بنظر بنده آمده این است که در یکی از مواد تعرض کرده اند که مستخدمین اداری مجلس شورای ملی هم باید تحت این قانون باشند بسیار خوب ولی مجلس تعطیل دارد منتی امسال کار زیاد بود و به مجلس تعطیل تابستان داده نشد ولی این ماحه برای قانونگذاری نمیشود.

شاید سال بعد به مجلس تعطیل داده شد.

باید تکلیف مستخدمین مجلس شورای ملی در ایام تعطیل معین شود و در این قانون ذکر نشده که در ایام تعطیل تکلیف مستخدمین چه باشد؟

مطلب دیگر در این قانون نوشته شده است که حین استهدام سه مطلب باید در نظر گرفته شود.

قدمت در خدمت. صحت عمل. کفایت بسیار خوب همین سه اصلی بود که آقای مصدق السلطنه اتخاذ فرمودند و آن ها مواها بری باشد اصلاً این قضیه صحیح است لکن باید در این قانون راه حل این مسئله را پیدا نمایند که بچه طریق معین کنند فلان مستخدم قدمت خدمت و صحت عمل و کفایت دارد که دیگر فردا هی فریاد نزنند هر

۳ فقره در ما موجود بود و ما را خارج کردند و آنها را که قبول کرده اند هیچ داری این شرایط نبوده اند.

عجالتاً بیش از این عرضی ندارم و اگر نظریه پیدا کردم بعد عرض خواهم کرد. آقا شیخ ابراهیم زنجان میگوید که من نفهمیدم آقا شیخ الاسلام با قانون موافق بودند یا مخالف.

این حرفهایی که زده شد بعضی راجع به مواد بود و بعضی هم راجع به مواد نبود. مثلاً قانون نوشتن برای وزیر بطلی به اینجا ندارد یا ظلم میکنند چه دخلی باین قانون دارد که بنویسم یکی از شرایط این است که ظلم نکنند.

البته ظلم بد است و نباید بکنند ولی چه ربطی بقانون استفاده دارد؟

بنده اولاً برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم که معنی شور کلی در یک قانونی در اول و آخر برای چیست و همچنین وقتی داخل در مورد مواد شدیم آنجا هم عرض میکنم که شور در مواد معنایش چیست.

کلیات قانون یعنی اینکه آیا کلیه این قانون وضع کردنش صلاح مملکت هست یا نه؟

و در این مورد داخل در مواد نمیشوند فقط در کلیات حرف میزنند.

مثلاً وضع مالیات کتیرا آیا صلاح مملکت هست یا نه؟

یا قانون استفاده را اگر وضع کنیم برای مملکت مفید خواهد بود یا نه؟

ولی اگر بگوئیم این قانون فلان جایش صحیح نیست و نقضی دارد این شور کلی نیست.

پس هر کس در کلیات صحبت میکند یا باید بگوید این قانون را قبول میکنم چون صلاح مملکت در آن است یا باید رد کند و بگوید خیر صلاح مملکت در وضع این قانون نیست و یکی هم بعد از تمام شدنش شور میکنند باز میگویند من این قانون را صلاح میدانم یا نمی دانم این معنای شور در کلیات است حتی خاطر آقایان را تذکر می دهم که ممکن است یک نفر در یک ماده مخالف باشد و اکثریت برخلاف او رای داده باشد و باز هم در وقت رای دادن در کلیات نمیتواند آن قانون را رد کند مثلاً اگر من در یک ماده مخالف بودم و آن آقا در ماده دیگر و اکثریت برخلاف ما رای داد آن قانون ملغی نمی شود و باید همه رای بدهند.

این معنای مذاکره در کلیات است یعنی هر کس صلاح می داند این قانون مطرح بشود میگوید مطرح بشود و آن مخالف است برعکس می گویند این قانون نباید مطرح بشود و اما راجع باین قانون بنده نظر کمیسیون بلکه نظر همه را عرض میکنم.

این قانون مهمترین قوانین است بطوریکه نصف مفسده ادارات مملکت را (از قبیل استخدام های بتوسط یا دلتخواه یا خدای نکرده بواسطه رشوه ها و دوستی ها و دادن کار به نااهل و عزل و نصب بی جهت و مطمئن نبودن مستخدم از اینکه آیا در سر کار باقی خواهد ماند یا نه و نبودن مجازات و غیره...) همه را از نبودن این قانون می دانم این بود که کمیسیون این مواد را در نظر گرفت و آقایان هم این مواد را در نظر داشته باشند که اولاً:

موافق این قانون کارهای مملکتی باید با اهل سیرده شود ثانیاً مستخدم مطمئن شود که اگر خدمت خوب بکند مکافات خوب خواهد دید و هیچکس نمی تواند او را بدون جهت و بی حق خارج کند و هر کسی بد کرد مجازات خواهد دید تا از مجازات بترسد و خیانت نکند حتی برای کسانی که لیاقت دارند و چیزهایی که تأمین میکند امور آن شخصی را که داخل اداره می شود شرایطی ذکر شده و برای بعد از خودش هم مراعات اولادش به جهت ترتیب شدن و خدمت کردن بمملکت منظور می شود.

شیخ الاسلام اصفهانی اجازه می فرماید توضیحی عرض کنم؟ رئیس - بفرمائید. شیخ الاسلام اولاً خاطر آقای زنجان را تذکر می دهم که شایسته مقام ایشان این است که بطور نزاکت و فایض بفرمائید نه بطور خنده آور.... رئیس - این جزو توضیح نیست. شیخ الاسلام ثانیاً بایشان تذکر می دهم که مراجعه بفرمائید بقوانین سابقه که شور کلی در آنها می شدو بنا بر ترتیب سابق شور کلی غیر از این است که ایشان فرمودند.

بلی بنده این قانون را صحیح و موقع می دانم ولی ناقص است البته نواقص را در شور کلی باید عرض کنم.

رئیس - آقا شیخ الاسلام (اجازه)

آقا سید یعقوب - آقا شیخ خوب صحبتی فرمودند.

معنای شور در کلیات همان است که ایشان فرمودند لکن چون جواب یک قسمت از فرمایشات آقای شیخ الاسلام را بطور اجمال بیان فرمودند مجبورم بنده جواب ایشان را بگویم فرمودند.

باید شرایطی برای وزراء نوشت گمان میکنم اگر توجه بفرمایند دولت ایران دارای حکومت شوروی است و معنای حکومت شوروی این است رئیس الوزرائی که محل اعتماد اکثریت مجلس شد و دستخط

شاه او را رئیس الوزرا کرد دیگر قید و قانونی لازم ندارد شرط اول از محل اعتماد بودن اکثریت مجلس است و معرفی کردن شاه دیگر شرایط زیاد بر این تصور نمیکند لازم باشد و آن رئیس الوزرا هم وزراء را مطابق میل خودش که محل اعتمادش باشد معین میکند.

دیگر قید دیگری باید باشد بنده نمی فهم یعنی چه؟ معنی حکومت شوروی این است که رئیس الوزرائی که محل اعتماد اکثریت و شاه باشد بمجلس معرفی می شود.

بلی در این بین اگر یک خلاقی کرد مجلس حاضر است سلب اعتماد از او میکند. امام مسئله قانون استفاده بنده عرض میکنم اول قدمی که ما باید بداریم برای سعادت مملکت برداریم همین قانون استفاده است اینکاش در سال اول مشروطه این قانون بمجلس آمده بود که ما تا حالا دارای ادارات مرتبی بودیم و مستخدمین ما متزلزل نبودند و با کمال اطمینان مشغول خدمتگزاری بمملکت بودند و بالاخره بنده کمال موافقت را باین قانون دارم و این قانون خیلی نافع است و باید هر کس را خارج یا داخل میکنند مطابق این قانون باشند و این قانون برای ترقی مملکت و مملکت خیلی لازم است که خدمت را یاداش و خیانت را مجازات می دهد.

رئیس - از آقایان خواهش میکنم ترتیب موافق و مخالف را منظور بدارند و بنده را مجبور نکنند سوال کنم موافق هستند یا مخالف و یا بعد از آنکه برخاستند نطق کنند از ایشان خواهش کنم بنشینند (خطاب به آقا سید یعقوب) جناب عالی موافق بودید و بعد از یک مخالف بایستی اظهار موافقت بفرمائید. آقا شیخ سید فاضل موافقت؟

آقا سید فاضل - بلی.

رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا چطور؟

محمد هاشم میرزا - بنده هم موافقم.

رئیس - آقا شیخ حاج میرزا علی محمد چطور؟

حاج میرزا علی محمد - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

حاج میرزا علی محمد - اولاً آقای زنجان یک معنایی برای شور کلیات قانون کردند که اگر اینطور باشد که ایشان فرمودند آنهایی که در کلیات صحبت میکنند یک کلمه باید بگویند موافق هستم یا بگویند مخالف هستم اینطور نیست بنده اساساً با قانون استفاده موافقم ولی این قانون را ناقص می دانم و در شور کلی باید بیان کنم که این قانون ناقص است مواردش را هم

می گویم مغیر نمی تواند جلوی مرا بکشد که چرا داخل در مواد شدید.

البته باید داخل در مواد شد و گفت که این قانون چه نواقصی دارد

اولاً قانون استفاده باید تکلیف اول درجه تا منتهی درجه مستخدمین دولت را معین کند و این قانون اولاً از این جهت ناقص است که از برای طبقه فراش و پیشخدمت و امثال آنها هیچ وجه اسمی نبرده و ادای حقشان را ننموده است.

معتدداً السلطنه - چرا شده است ملاحظه بفرمائید.

حاج میرزا علی محمد - مگر در يك ماده آن ماده را هم بنده دیده ام که بطور مختصر اشاره نموده در صورتی که باید شرایط دخول و عضویت آنها را هم معین کرده باشد و چون یکی از شرایط شرط ورود است و یکی هم شرط استخدام و دیگری شرط راجع بحقوق تقاعدی نسبت بخود و اولاد مستخدم. در قسمت اول که شرط ورود باشد در این راه پورت به هیچ وجه ذکر نشده در صورتی که ممکن بود در ضمن يك ماده هم قید شود. معلوم است شرط ورود فراش و پیشخدمت و آشپز و غیره تمام دوره سه ساله متوسطه نیست فقط لازم است مواد مختصری داشته باشد در این قسمت ابتدا کمیسیون متعرض نشده است در صورتی که لازم است مخصوصاً قید شود.

قسمت دیگر راجع بقامات عالی است که فقط در يك ماده قید کرده اند و لایه و سفرای مختار و کبار و امثال ذلك از مرتبه نهم بالاتر هستند و حال آنکه قانون استخدام بایستی تکلیف کلیه مستخدمین دولت را معین نماید.

يك قسمت از مستخدمین که امروز مهمترین مستخدمین دولتی هستند همان ولایه و غیره هستند که بایستی رعایت حال آنها را بیشتر بکنیم زیرا هنوز آنها مالک الرقابی خود را در میان مردم محفوظ داشته اند.

بنابراین قسمت هم باید در قانون استخدام مراعات بشود و چون مراعات این نکات نشده عرض می کنم این قانون ناقص است يك قسمت دیگری هم که بکلی از نظر افتاده است قسمت راجع بررئسای ایالات است که آنها به هیچ وجه در تحت تربیت اداری نیامده اند و قانون را نسبت بآنها هم باید رعایت نمود.

از نواقص دیگر این قانون فصل مجازات است.

در اینجا فقط تأمین مجازات شده است ولی بطور کلی درجات آن و سبب آن مجازاتها را ذکر ننموده اند در صورتی که باید ذکر شود چگونه تقصیری تنزل رتبه یا باعث انفصال میشود یا چه خلافی باعث انفصال موقتی یا دائمی می گردد. در باب ترقی و

تسالی هم که لازمه ایام استخدام است چیزی ذکر نشده و معلوم نیست در چه مواقع رعایت مدت خدمت و در چه مواقع رعایت خدمات فوق العاده میشود. این

در اینها فقط تأمین مجازات شده است ولی بطور کلی درجات آن و سبب آن مجازاتها را ذکر ننموده اند در صورتی که باید ذکر شود چگونه تقصیری تنزل رتبه یا باعث انفصال میشود یا چه خلافی باعث انفصال موقتی یا دائمی می گردد. در باب ترقی و

تسالی هم که لازمه ایام استخدام است چیزی ذکر نشده و معلوم نیست در چه مواقع رعایت مدت خدمت و در چه مواقع رعایت خدمات فوق العاده میشود. این

در اینها فقط تأمین مجازات شده است ولی بطور کلی درجات آن و سبب آن مجازاتها را ذکر ننموده اند در صورتی که باید ذکر شود چگونه تقصیری تنزل رتبه یا باعث انفصال میشود یا چه خلافی باعث انفصال موقتی یا دائمی می گردد. در باب ترقی و

تسالی هم که لازمه ایام استخدام است چیزی ذکر نشده و معلوم نیست در چه مواقع رعایت مدت خدمت و در چه مواقع رعایت خدمات فوق العاده میشود. این

در اینها فقط تأمین مجازات شده است ولی بطور کلی درجات آن و سبب آن مجازاتها را ذکر ننموده اند در صورتی که باید ذکر شود چگونه تقصیری تنزل رتبه یا باعث انفصال میشود یا چه خلافی باعث انفصال موقتی یا دائمی می گردد. در باب ترقی و

تسالی هم که لازمه ایام استخدام است چیزی ذکر نشده و معلوم نیست در چه مواقع رعایت مدت خدمت و در چه مواقع رعایت خدمات فوق العاده میشود. این

در اینها فقط تأمین مجازات شده است ولی بطور کلی درجات آن و سبب آن مجازاتها را ذکر ننموده اند در صورتی که باید ذکر شود چگونه تقصیری تنزل رتبه یا باعث انفصال میشود یا چه خلافی باعث انفصال موقتی یا دائمی می گردد. در باب ترقی و

تسالی هم که لازمه ایام استخدام است چیزی ذکر نشده و معلوم نیست در چه مواقع رعایت مدت خدمت و در چه مواقع رعایت خدمات فوق العاده میشود. این

در اینها فقط تأمین مجازات شده است ولی بطور کلی درجات آن و سبب آن مجازاتها را ذکر ننموده اند در صورتی که باید ذکر شود چگونه تقصیری تنزل رتبه یا باعث انفصال میشود یا چه خلافی باعث انفصال موقتی یا دائمی می گردد. در باب ترقی و

موضوع هم در این قانون مراعات نشده. يك مرض دیگری که داشتیم و اساس تمام اینها است این است که درجات کشوری و لشکری تفاوت ندارد و مثل درجات لشکری درجات کشوری هم باید از تابتین تا مرتبه اعلا که سرداری باشد رعایت گردد و بایستی طوری قرارداد که درجات لشکری با درجات کشوری مطابقت نماید و در بعضی جاها خودشان این نکته را ملحوظ داشته اند ولی در این قانون مراعات نشده و مخصوصاً باید درجات لشکری و کشوری با یکدیگر تطبیق شده و طبقه بندی شود و چون طبقه بندی نشده این قانون ناقص است.

رئیس - مذاکرات در کلیات کافی است یا خیر؟

(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - رأی می گیریم که داخل در شور در مواد بشویم یا خبر آقایانی که تصویب می کنند در مواد شور شود قیام نمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول - خدمت رسمی عبارت است از دارا بودن شغل ثابت موظفی در یکی از وزارتخانه ها یا ادارات دولتی.

رئیس - آقای مستشار السلطنه مخالفید؟

مستشار السلطنه - از آقای مخبر سؤال می کنم چرا با ادارات ایالات و ولایات توجه فرموده اند بنده نظرم این است که در ماده اول نوشته شود:

ادارات دولتی چه در مرکز و چه در ایالات و ولایات.

مخبر - بنده سؤال میکنم آیا ادارات ایالات و ولایات دولتی نیست؟ چه ازومی دارد که این کلمه مخصوصاً قید شود؟

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - در این ماده خدمت رسمی را انحصاراً به استخدام در ادارات دولتی کرده اند و دوائر شوروی و اجتماعی را اسم نبرده اند. فقط در يك ماده قید شده است که اعضاء دوائر شوروی را هم این قانون شامل بشود در همین ماده باید ذکر شود که ادارات اجتماعی و شوروی مثل ادارات بلدی و مستخدمین مجلس شورای ملی هم شامل این ماده هستند.

رئیس - آقای کازرونی مخالفند؟ آقای میرزا علی کازرونی - سؤالی

داشتیم.

رئیس - بفرمائید. آقای میرزا علی کازرونی - بنده از آقای مخبر سؤال می کنم در این ماده

مقصود از موظف چیست؟ چون موظف گاهی اطلاق بر شریه میشود و گاهی بر تکلیف. قانون هم بایستی روشن باشد و تعبیر دار نباشد. خوب است توضیح بدهند مراد از موظف چیست؟

مخبر - موظف یعنی حقوق داشته باشد.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - مخالفت بنده با این ماده از دو راه است. یکی اینکه همانطور که آقای حاج شیخ اسدالله اظهار داشتند لازم بود ادارات شوروی و اجتماعی را هم اسم ببرند. دیگر اینکه می نویسد شغل رسمی عبارت است از دارا بودن شغل موظف در وزارتخانه ها یا ادارات دولتی. بنده عرض میکنم وزارتخانه خودش فی حد ذاته چیزی نیست بلکه وزارتخانه مرکب است از دوائر و ادارات بنابراین باید احتیاطاً کرد به حفظ وزارتخانه ها و یا ادارات دولتی و عقیده بنده این است که فقط وزارتخانه ها نوشته شود کافی است.

مخبر - بعضی ادارات هستند مثل کنسول که داخل در وزارتخانه ها هستند لذا بایستی ادارات دولتی هم ذکر شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - در این ماده می نویسد شغل ثابت موظف بنده از قرار اطلاعاتی که دارم در هر اداره يك عده منتظرین خدمت هستند که حقوق ندارند. می خواهم به بینم آن ها را به چه صیغه داخل ادارات می کنند.

مخبر - بنده از آقایان تقاضا میکنم در مواد بعد هم مطالباتی نکنند تا شوالاتی که میکنند بموقع باشد تکلیف منتظرین خدمت هم در مواد بعد معلوم است.

رئیس - آقای فتح الله شاه (اجازه)

فتح الله شاه - در این ماده نوشته شده شغل ثابت موظف. بنده سؤال میکنم مقصود از شغل ثابت چیست؟ اگر بخواهیم در ادارات بگذشته نظر کنیم هیچ شخصی را نخواهیم دید که بکلی يك شغل ثابتی داشته باشد. هر وزیری که آمده است بمیل شخصی خودش اجراء را تغییر و تبدیل داده است بنابراین این ماده اش دار است. اگر مقصود این است که يك نفر در يك شغل ثابتی باشد که گمان نمیکند چنین چیزی در ادارات یافت شود. زیرا وزراء شغل ثابتی نگذاشته اند. خوب است توضیح بدهند مقصود از شغل ثابت چیست؟

مخبر - در اینجا نوشته شده است شغل ثابت. نوشته نشده است آدم ثابت. علاوه بر این من بعد آدم هم در ادارات باید

ثابت باشد.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - این توضیحی که آقایان مخبر دادند بنده را قانع نکرد زیرا می فرمایند باین جهت ادارات دولتی نوشته ایم که شامل کنسولها هم بشود و اگر ذکر نشود شورای دولتی از این ماده خارج خواهد بود. بنده عرض میکنم مگر می خواهید برای اعضاء شورای دولتی هم مقاماتی قائل شوید که بگوئیم اول باید ثابت باشد بعد منشی سوم و غیره؟ خود شورای دولتی دائره و اداره نیست. بنا بر این قانون شامل اعضاء مستخدمین آنجا باشد. تکلیف اعضای هیئتهای شوروی هم در يك ماده معلوم شود شورای دولتی هم یکی از هیئتهای شوروی است مثل مجلس شورای ملی که شامل ادارات دولتی نمی شود پس ذکر کلمه ادارات زائد است.

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - آقای حاج شیخ اسدالله اظهار نمودند که اگر راجع با ادارات شوروی و اجتماعی در ماده اول ذکر می نموده بودیم دیگر محتاج به يك ماده مخصوص نمی شدیم.

برای اینکه نظر مبارکشان درست متوجه شود عرض میکنم در کمیسیون هم اول همین نظر اتخاذ شد. ولی بعد که دقت نمودیم دیدیم مجبوریم در تمام مواد این جمله را تکرار نماییم. مثلاً در يك ماده می نویسد هیچیک از مستخدمین نمی توانند احکام مقامات مافوق خود را اطاعت نمایند الی آخر باید قید کرد هیچ يك از مستخدمین دولتی و هیئت های شوروی و بالاخره هر کجا لفظ مستخدم باشد باید يك جمله یا هیئت های شوروی هم علاوه شود.

لذا در کمیسیون در شور دوم برای احتراز از این تکرار آن ماده مخصوص علاوه شد که این مواد شامل مستخدمین هیئت های شوروی از قبیل انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی و مجلس شورای ملی و غیره خواهد شد و همچنین برای احتراز از تکرار جمله (رسای هیئت های شوروی و اجتماعی)

يك تبصره در آخر علاوه شد که در هیئتهای شوروی و اجتماعی وظایف راجعه بوزراء بمعهده رسای هیئتهای شوروی و اجتماعی است والا اگر این تبصره را نمی نوشتیم مجبور بودیم هر جا لفظ وزیر است علاوه نماییم یا رسای هیئتهای شوروی و اجتماعی. برای اجتناب از تکرار این جملات و مرتب بودن عبارت بهتر این دانستیم که قانون را بکلی بنویسیم و بعد در يك ماده تمام آنها را شامل اعضاء هیئتهای شوروی

هم بکنیم.

اما راجع باینکه بعضی از آقایان فرمودند چرا نوشته ایم وزارتخانه ها یا ادارات دولتی اگر میل دارند ممکن است پیشنهاد نمایند که فقط وزارتخانه ها حذف شود و لکن کلیه نوشته این عبارت بواسطه این بود که این دو عبارت اصلاح شده است و وقتی يك شخصی می گوید من در وزارتخانه مستخدم هستم یعنی در اداره نیستم والا همان طور که گفته شد وزارتخانه مرکب از ادارات است و اینکه آقای دولت آبادی راجع بمستخدمین جزو فرمودند کمیسیون رعایت حال مستخدمین جزو را از همه بیشتر نموده است و راجع به تقاعد و وظیفه آنها ماده هلیجده نوشته است و به علاوه کمیسیون ملاحظه نمود که این حق تقاعد مرتبی کدر این قانون نوشته شده برای مستخدمین جزو کم است.

لذا تذکر داده شد که آنها مطابق قانون مخصوصی بایستی حقوق تقاعدی دریافت دارند.

قسمت دیگر کمی خواستم عرض کنم اگرچه راجع بماده اول نیست ولی اگر آقای رئیس اجازه فرمایند بنام کمیسیون تقاضای از آقایان می نمایم و آن تقاضا این است همانطور که آقایان می دانند قانون استغف مهم ترین قانون ممکن است و در بعضی ممالک شاید بعضی از مواد آن جزو قانون اساسی نوشته می شود.

بنابر این کمیسیون از عموم آقایان و کلاهی مجلس و ارباب جراید و عامه مردم تقاضا می نماید که هر پیشنهادی که برای اصلاح این قانون بنظرشان می رسد بتوسط جراید یا مستقیماً بکمیسیون رجوع نمایند تا با نظریات عامه و تمام صاحبان افکار داخل و خارج مجلس انشاء الله در شور ثانی یک قانون استغفامی پیشنهاد شود که تقریباً هیچ نواقصی نداشته باشد و دیگر گفته نشود که این قانون عملی نیست و مخصوصاً از آقای رئیس - تقاضا می کنم که برای هر يك از آقایان وزراء يك نسخه از آن قانون بفرستند و آنها هم باتشکیلات مختلفه وزارتخانه خودشان مقایسه نمایند و تطبیق آنرا با تشکیلات وزارتخانه خودشان در نظر بگیرند.

چون این قانون راجع بموم وزارتخانه ها است و تمام وزراء باید آنرا بموقع اجرا گذارند.

بنابر این خوب است بفوریت آنرا مطالعه نموده و اختلافات وزارتخانه ها را در نظر بگیرند هر چه بنظرشان میرسد پیشنهاد کنند تا پس از شور دوم يك قانون کاملی از مجلس بگذرد محتاج به پیشنهاد يك ماده واحد نشود و گفته نشود این قانون عملی نیست.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - جوابی که آقای مخبر در مقابل اظهار آقای کازرونی دادند و موظف را بمعنی دارای حقوق معنی کردند بیشتر بر مشکلات بنده افزود برای اینکه در خیلی از موارد بمعنی عهده دار یک وظیفه ترجمه می شود و از منتهای که ایشان کردند این طور مفهوم می شود که اگر کسی بی حقوق بخواهد در ادارات دولتی خدمت کند هیچکس از این شرایط درباره او منظور نخواهد شد بجهت اینکه شرایطی که در ماده دوم ذکر می کنند تکیه اش بر ماده اول است و ماده اول هم خدمت رسمی را موظفاً عنوان می کند و کلمه موظف را آقای مخبر توضیح دادند بمعنی با حقوق و این طور که آقای مخبر توضیح دادند همچو معلوم می شود اگر کسی بخواهد مجاناً خدمت دولت را قبول کند و واجد شرایط مذکور در این قانون نباشد پذیرفتن او مانعی ندارد

مثلاً اگر سن او را هجده سال کمتر باشد یا معروف بقضاء عقیده باشد می تواند مجاناً خدمت دولت را قبول کند و یک ماده هم نیست که اگر کسی در صورت حائز نبودن شرایط مقرر در قانون استخدام بخواهد خدمت دولت را مجاناً عهده دار گردد دولت بموجب آن ماده بتواند او را قبول بکند پس خوب است آقای مخبر توضیح کافی بدهند والا اگر لفظ وظیفه بمعنی حقوق تعبیر شود اشکال بنده باقی خواهد بود

مخبر - مستخدم رسمی همان است که حقوق می گیرد و کار می کند هرگاه کسی آمد و گفت من شرایط لازمه را کم دارم و می خواهم ده ماه خدمت کنم تا آن شرایط را تحصیل نمایم آیا مانعی دارد ؟ ار می کند ولی حقوق نخواهد گرفت این فرق بین کسی است که می خواهد کار کند و حقوق بگیرد با کسی که از دولت حقوق می گیرد و کار می کند و آنکه دولت مجبور نیست او را حتماً قبول کند اگر صلاح دولت قبول می کند والا رد می کنند رئیس - در ماده اول مذاکرات کافی است یا خیر ؟

(جمعی گفتند کافی است)

محمد هاشم میرزا - جواب بنده داده نشد اگر اجازه می فرمائید توضیح بدهم .

رئیس - پیشنهاد کنید اگر مذاکرات کافی نیست بآقایانی که اسامیشان ثبت است اجازه داده شود (عده از نمایندگان - خیر مذاکرات کافی است)

رئیس - پیشنهادات فرائت می شود (چهار فقره پیشنهاد بشرح ذیل

قرائت شد)

خدمت رسمی عبارت است از دارا بودن شغل ثابت موظف در یکی از وزارت خانه ها در مرکز و شعب آنها در ایالات و ولایات (مستشار السلطنه) بنده پیشنهاد میکنم (یا) را بعد از کلمه وزارتخانه ها در ماده اول مبدل به (واو) نمایند (فیروز) بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه موظف نوشته شود با حقوق

متنصر الملک مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی دامت عظمت بنده پیشنهاد میکنم که ماده اول این طور نوشته شود

خدمت رسمی عبارت است از دارا بودن شغل ثابت موظفی در یکی از وزارت ها یا ادارات شوروی و اجتماعی

ابراهیم قبی - یعقوب الموسوی - سید محمد تدین - شیخ الاسلام ملاپری رئیس پیشنهادات ارسال می شود بکمیسیون ماده دوم قرائت میشود بمضمون ذیل قرائت شد

دو طلبان خدمت رسمی در ادارات کشوری باید شرایط ذیل را دارا باشند :

۱ تابعیت ایران
۲ داشتن هجده سال لا اقل
۳ عدم قیام بر علیه حکومت ملی
عدم محکومیت بجنائات و همچنین بجنحه که متضمن محرومیت از حق استخدام دولتی باشد

۴ عدم معروفیت بفساد اخلاق و تجاهر بفسق و معتاد نبودن باستعمال افیون و مبتلا نبودن بامراض مسریه

۵ داشتن تصدیق نامه سال سوم تحصیلات متوسطه یا لا اقل معلوماتی مطابق آن

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - این ماده بر خلاف قوانینی است که سابقاً برای انتخابات و سایر قوانین نوشته شده است یعنی باید شرایط مثبت را در یک ردیف و شرایط منوعه را جدا گانه نوشت مثلاً شرایطی که اسباب محرومیت یک عضو است از قبیل فساد اخلاق و معروفیت بفساد عقیده و غیره علیحدّه و شرایط مثبت را از قبیل سن و تبعیت ایران و غیره علیحدّه ذکر کنند تا معلوم باشد چه شرایطی اسباب محرومیت یا چه شرایطی سبب قبول یک نفر عضو خواهد بود و همچنین در مسئله قیام بر علیه حکومت ملی باید معین شود مقصود از قیام بر علیه حکومت ملی چیست و باید همه این ها را جز به جزء کمیسیون در نظر بگیرد و در قانون بنویسد حالا اگر جزء به جزء مذاکره می شود بنده یکی یکی عرض می کنم و اگر

بطور کل مذاکره می شود راجع به تمام قسمت های این ماده عرض کنم .

رئیس - اگر تقاضای تجزیه کنید تجزیه می کنیم .

محمد هاشم میرزا - چنانچه عرض کردم یکی مسئله قیام بر ضد حکومت ملی است که باید از حالا معلوم باشد تا در آئینه اسباب اشکال نشود باید دانست مقصود از قیام بر ضد حکومت ملی چیست ؟ مقصود قیام بر ضد قانون اساسی است یا بر ضد مجلس شورای ملی یا بالاخره بر ضد حکومت مشروطه است . بعضی از آقایان نظریات مختلفی در این خصوص پیدا کرده اند بنا بر این خوب است بطور تبصره یک چیزی نوشته اضافه شود که مطلب را کاملاً روشن کرده تا بعداً اسباب زحمت و اشکال فراهم نیاید . تا نا بعد از عدم فساد اخلاقی تجاهر بفسق یا عدم فساد عقیده مذهبی که هر یک از اینها در جای خود مهم است فراموش شده قید شود خوب است آقای مخبر توضیحی بدهند که فراموش شده یا سطر دیگری بوده است که معلوم باشد .

مخبر - شرایط لزومی و عدمی را علیحدّه و جزء بجزء نوشتن لزومی ندارد اما قیام بر علیه حکومت ملی امری است که تشخیص آن در خارج می شود . کسی که بر ضد حکومت ملی قیام می کند یعنی کسی که بخواهد اساس مشروطیت را بر هم زند و بر خلاف اساس مشروطیت مبادرت بعملی نماید و بخواهد مجلس شورای ملی نباشد . این قبیل اقدامات قیام بر ضد حکومت ملی محسوب می شود . حالا کسی قشور می کشد یا حرف می زند یا شمشیر می کشد یا چیز می نویسد اینها یک چیزهایی است که حد و حصر ندارد و نمی توان در قانون قید کرد که مثلاً حرف نزد یا چیزی ننویسد یا فلان کار را نکند و تشخیص هر یک از آنها بامحکمه خصوصی است که برای اینکار تشکیل می شود هر اقدامی را جزو قیام بر ضد حکومت ملی می داند خواهد گفت این بر ضد حکومت ملی است

رئیس - چون تقاضای تجزیه کرده اند قسمت قسمت مذاکره میکنیم

قسمت اول تبعیت ایران در اینجا مخالفی نیست ؟

(گفتند خیر)

رئیس - قسمت دوم داشتن هجده سال

سال آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - اینکه در قانون استخدام سن را هجده سال معین کرده اند بنده مخالفم در صورتی که پانزده سال یک سنی است که شرعاً هم آنرا حکم کرده و شصت پانزده ساله را برای کلیه امور قابل

می دانند پس بعقیده بنده خوب است در اینجا هم ما خذ راهمان پانزده سال قرار دهیم و نوشته شود سن پانزده سال و دارای فلان معلومات باشد .

رئیس - آقای دست غیب . راجع باین مسئله است ؟

دست غیب - خیر در قسمت دیگر عرض دارم

رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - بعقیده بنده هجده سال که تعیین شده عیبی ندارد .

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - راجع باین مسئله عرض ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده برخلاف تصور می کنم معین کردن هجده سال سن سبب می شود که متعلمین دروس خود را تکمیل نکرده و نیم کاره باقی گذارند و بدون اینکه ریشه تحصیلاتی خود را بیابان برسانند از مدرسه خارج شده و عقب کار دولت و استخدام بروند و در نتیجه سگته بزرگی با اساس تحصیلات وارد خواهد آمد . بنده بهتر و لازم ترمی دانم که سن را مدتی بیشتر قرار دهیم که طفل در مدرسه تحصیلات خود را تکمیل کند این است که بنده پیشنهاد می کنم سن از بیست الی بیست و یک سال باشد

مخبر - کمیسیون هم همین نظر را مراعات کرده است معمولاً اطفال از سن هفت سال در مدرسه میروند و در مدت هشت سال دوره ابتدائی را بیابان می رسانند و بعد ۳ سال هم در مدرسه متوسطه کار می کنند و این طور که حساب شده شانزده سال می شود دو سال هم باین مدت افزودیم و سن را هجده سال قرار دادیم باین ترتیب هجده سال عیبی ندارد

رئیس - آقای محقق العلامه (اجازه)

محقق العلامه - بنده مخالفم و دلیل را هم آقای کازرونی فرمودند .

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم عرض می کنم چون مستخدمین دولت کسانی هستند که همه چیز مردم سپرده به آنها است نمی شود بیک طفل هجده ساله امور مردم را سپرده و بعقیده بنده هم این مقدار سن کم است و اقلاً باید بیست و یک سال ملحوظ شود

وزیر مالیه - راجع بمسئله سن که در اینجا قید شده است اگر آقایان درست توجه فرمایند ملاحظه خواهند فرمود این قانون اساساً طوری نوشته شده است که برای هر یک از وزارتخانه ها و ادارات یک

نظامنامه قابل شده است چنانچه در ماده بعد هم نوشته شده (علاوه بر شرایط مندرجه در ماده دوم داوطلبان خدمت رسمی در ادارات هر وزارتخانه باید معلومات لازمه و شرایط اختصاصی نظامنامه داخلی اداره مربوطه را دارا باشند) پس بموجب مدلول ماده بعد هیچ طفل هیچگاه سه ساله متوسطه فارغ التحصیل سه ساله مدرسه متوسطه نمی تواند در وزارتخانه ها بیک شغل عالی نائل شود مگر اینکه بیک طبقات معدودی را طی کند. مثلاً تلگرافچی یا ثبات اداره و این قبیل اعضاء لازم نیست مدارس عالی را دیده باشند یا علم حقوق یا سایر علوم دیگر را تحصیل کرده باشند همچنین در سه ساله مدرسه متوسطه را دیده باشند پنج شش ماه در اداره کار می کنند بعد جزء مستخدمین رسمی محسوب می شوند اما علاوه بر این وزارتخانه ها از قبیل عدلیه و خارجه و مالیه برای هر مقامی یک شرایط دیگری در نظامنامه های خودشان خواهند داشت که در سن هیچگاه سه ساله خیلی مشکل است کسی واجد آن شروط باشد. زیرا محصلین در سن هیچگاه و بیست ساله تازه مدرسه متوسطه را تمام می کنند و برای داشتن معلومات فلان مقام افلا پنج سال دیگر کار دارد و هیچوقت ممکن نیست یک هیچگاه سه ساله قاضی بشود و برای قاضی شدن یک شرایط علیحدّه دیگری هم معین شده که در صورت داشتن آن شرایط سن قاضی از سی سال کمتر نمی تواند باشد همچنین برای رئیس شعبه یا مدیر ادارات یک شرایطی از حیث قدمت خدمت و معلومات کافی و غیره منظور شده که هیچوقت ممکن نیست شخص هیچگاه سه ساله دارای آن شرایط بشود و ضمناً یک هیچگاه سه ساله پیدا شد که تمام معلومات مطلوبه را داشت اما هیچوقت هیچگاه سه ساله را پیدا نخواهید کرد که دوازده سال خدمت کرده باشد پس این حد اقلی است که در این قانون ذکر شده و رویه گرفته کمیسیون رعایت مسئله سن و سایر شروط لازمه را کرده است

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - اذله ای که آقایان می آورند قابل اعتراض است بنده تعجب می کنم از آقایانی که سن را زیاد تر از میزان مقرر شرع مقدس قرار می دهند زیرا شخص هیچگاه سه ساله شرعاً رشید و مانع است و وقتی بالغ و رشید شد همه چیز را می شود بدست او سپرد خوب اگر یک بچه ذکی و با هوش پیدا شد که در سن شانزده سالگی تمام مراتب تحصیلات خود را طی کرده باشد و دارای معلومات لازمه باشد بنده نمی دانم قبول او چه اشکالی دارد خیلی غریب است ما سلطنت ایران را به هیچگاه سه ساله می سپریم

و معتقدیم همچنین که ولیمهد هیچگاه سه سال داشت می تواند متکفل امور سلطنت بشود ولی در موضوع یک ثبات اینقدر ایراد میکنیم و می گوئیم باید بیست و یکسال داشته باشد.

رئیس - آقای سلیمان میرزا موافقت ؟

سلیمان میرزا - بلی موافقم
رئیس - آقای سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - با این توضیحاتی که آقای وزیر مالیه بیان فرمودند باز بنده این مقدار سن را مانع ترقی اطفال میدانم زیرا با این جدیتی که در ترویج معارف داریم این مسئله سبب می شود اطفال تحصیلات خودشان را آنطور که باید تکمیل نمیکنند و در نتیجه کمتر اتفاق می افتد جوانان مملکت تحصیل کرده و با کمال شوند بنده نظر به صرفه و صلاح خود اطفال عرض می کنم هیچگاه سه سال کم است و باید بیست سال منظور شود.

رئیس - در قسمت دوم مذاکرات کافی است ؟

(گفتند بلی کافی است)

رئیس - قسمت سوم عدم قیام بر علیه حکومت ملی آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - عرض بنده راجع به سن بود

رئیس آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - عرض بنده همان بود که شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند لفظ عدم قیام بر علیه حکومت ملی لفظ کش داری است و در هر مورد میتوان هر گونه تعبیر و تفسیری را نمود. مثلاً ممکن است کسی حرفی بزند یا کاری بکند و گفته شود این اقدام بر علیه حکومت ملی است بنابراین بعقیده بنده لازم است تصریح شود که مقصود از قیام بر علیه حکومت ملی چیست و مورد آن کدام است و چه چیز را می توان قیام بر ضد حکومت ملی فرض نمود.

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - باز تکرار می کنم چون کمیسیون قانون استخدام را یکی از مهمترین قوانین مملکتی می داند لذا کمیسیون از بنده تقاضا کرده است مراتب را به عرض آقای رئیس و سایر آقایان برسانم زیرا یکانه آرزوی کمیسیون این است که زودتر قانون استخدام از مجلس بگذرد تا تکلیفی برای آتیه اجزای ادارات معین و معلوم شود که بعدها اسباب زحمت نشود و امیدواریم بعد از گذشتن این قانون هم انشاء الله قانون راجع بر روابط عملجات و

کار فرامهم نوشته شود چه این هر دو قانون جزو قوانین مهم مملکت است. بنابراین کمیسیون تقاضا می کند آقایان هر توضیح و پیشنهادی دارند بنویسند و به کمیسیون بدهند. حالا فرض بفرمائید اگر بخواهیم در موضوع همین مسئله قیام بر علیه حکومت ملی در مجلس صحبت کنیم مسلماً یک روز وقت مجلس را اشغال می کنیم. پس خوب است آقایان به کمیسیون مساعدت فرمایند و این اصلاحات عبارتی و تقدیم و تأخیر مواد و این قبیل مطالب که محتاج به قابل توجه شدن نیست بنویسند و بتوسط ریاست محترم مجلس به کمیسیون بفرستند کمیسیون هم با خود آقایان مذاکره نموده مطلب را روشن تر می کند و راجع به قیام بر علیه حکومت ملی هم غیر از آنچه آقای مخبر فرمودند نمی توان چیز دیگری فرض کرد مصداق قیام بر علیه حکومت ملی در خارج معین است مثلاً محمد علی شاه. سالار الدوله. شعاع السلطنه و همراهانش بر علیه حکومت ملی قیام کردند. هر دولتی که در مجلس شورای ملی را بقوه قهریه ببندد و مؤسسات شوروی را تعطیل کند قیام بر علیه حکومت ملی کرده اینها در خارج معین است اگر ما بخواهیم در قانون استخدام تمام جزئیات این مسئله را شرح بدهیم دیگر قانون استخدام نخواهد بود کتاب تمام قوانین می شود. موضوعات کلی در خارج معین است و اگر آقایان می خواهند این موضوعات را تفسیر بفرمایند ممکن است یک اوایی در تحت چند ماده پیشنهاد بفرمایند که موارد قیام بر علیه حکومت ملی معلوم شود یا اگر میل دارند در قانون استخدام نیز توضیحی نوشته شود. چون شور اول است ممکن است پیشنهاد کنند و توسط رئیس مجلس به کمیسیون بفرستند و نظریات عامه هم از خارج بتوسط جراید و غیره به کمیسیون بیاید تا بتوانیم بهترین قوانین را در کمیسیون تهیه نموده و بمجلس تقدیم نمائیم.

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - در سایر قوانین کلمه اقدام را هم علاوه بر قیام اضافه کرده اند نمی دانم چه شده است که در این قانون کلمه اقدام را ننوشتند اندر صورتی که معنای قیام و اقدام یکی نیست و ممکن است شخصی قیام کرده باشد ولی اقدام نکرده باشد باین ملاحظه بنده عرض می کنم همانطور که در جاهای دیگر هم لفظ اقدام را اضافه کرده اند اینجا هم باید قیام و اقدام نوشته شود. در سایر قسمتها هم با آقایان موافقم که باید توضیح داده شود و بطور لاستیکی نمی شود قوانین را نوشت اگر در سابق اینطور بوده ممکن است آنروز یک مقتضایی بوده که

امروز آن مصلحت ها مقتضی نیست و نباید راه را باز گذاشت که بتوانند حقوق مردم را سلب کنند بهتر این است اگر بطور تفصیل هم نمی خواهند بنویسند بطور محدود شرح بدهند که مردم از حقوق خود محروم نمانند.

رئیس - آقای عماد السلطنه خراسانی (اجازه)

عماد السلطنه - مخالفم

رئیس - آقای دست غیب چطور ؟
حاج سید محمد باقر دست غیب - موافقم.

رئیس - بفرمائید.

حاج سید محمد باقر - در اغلب جاها قیام بر علیه حکومت ملی شرط شده و معنایش هم واضح و ساده است همانطوری که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند قیام بر علیه حکومت ملی قیام بر ضد مشروطه است و بنده قیام و اقدام هر دو را لازم میدانم قیام بر علیه حکومت ملی هم ۳ قسم است یک قسم این است که اشخاصی در سابق بر ضد حکومت ملی قیام کرده اند و یک قسم اینکه در حین استخدام قیام می نمایند و قسم ثالث اینکه اشخاصی خیال دارند بنده قیام نمایند اما این قسم ثالث که در صدر هستند قیام کنند خارج از موضوع است ولی بنده عقیده دارم اشخاصیکه در سابق قیام کرده اند باید بکلی محروم باشند همان طور که از انتخاب کردن و انتخاب شدن محرومند و همچنین اشخاصی که در حین استخدام در صدر قیام و اقدام بر علیه حکومت ملی هستند این اشخاص هم در همه جای دنیا معمول است که باید از حق استخدام محروم باشد و چنانچه عرض کردم قیام بر علیه حکومت ملی این است که کسی بر ضد حکومت مشروط باشد و بگوید یا عقیده اش برخلاف حکومت مشروطه باشد یا بخواهد در مجلس را ببندد یا بگوید مشروطه را نمی خواهم یا کسی که ملت را در حکومت مداخلت ندهد و بگوید ملت نباید مداخلت داشته باشد اینها تمام قیام و اقدام بر علیه حکومت ملی است و معنایش هم ساده و پوست کنده است.

رئیس - آقای عماد السلطنه خراسانی (اجازه)

عماد السلطنه - کرار آید بنده در تشخیص یک موضوعاتی نظریات خصوصی اعمال میشود بعقیده بنده اگر چنانچه این موضوع محدود شود بهتر خواهد بود زیرا حقوق افراد حفظ میشود لازم هم نیست تمام جزئیات را ذکر کنیم بطور کلی ممکن است چند فقره را ذکر کرده که وقتی بنای رسیدگی باشد حقوق مردم تضییع نشود.

رئیس - آقای سهام السلطان - موافقت ؟

سهام السلطان - بلی.

رئیس - بفرمائید *

سهم السلطان - همانطور که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند اگر بخواهیم برای هر ماده اینقدر توضیح بدهیم خیلی قانون طولانی و مفصلی خواهد شد و همانطور که در سایر جاها نوشته شده امروز تا يك اندازه مصداقش درست است و وقتی گفته شود فلان کس قیام بر علیه حکومت ملی کرده معلوم است چه حکار باید کرده باشد و اینکه اقدام نوشته نشد بهمین جهت بود که آقایان می فرمایند کش پیدا میکند و همانطور که فرمودند قیام بر ضد حکومت مشروطه و بر ضد مجلس یا بر ضد ادارات ملی تمام قیام بر علیه حکومت ملی است و همانطور که در سایر قوانین ذکر شده در اینجا هم ملحوظ شده است *

رئیس - در قسمت سوم مذاکرات کافی است ؟

(بعضی گفتند کافی است)

مدرس - چند فقره پیشنهاد شده بود *

رئیس - بعد از اینکه قسمت پنجم مذاکره شد پیشنهادات قرائت میشود قسمت چهارم مطرح است آقای سلطان العلماء *

سلطان العلماء - بنده در ماده قبل عرض داشتم *

رئیس - آقای آقا سید فاضل مخالفند ؟

آقا سید فاضل - بنده این ماده را ناقص می دانم *

رئیس - بفرمائید *

آقا سید فاضل - بنده خیلی از آقایان محترم کمیسیون تعجب میکنم با وجود لواهی که آقایان علماء اعلام نوشته اند و وعده دادیم در قانون استخدام مقصود بعمل می آید اینجا چگونه اکتفا به عدم معروفیت به فساد اخلاق شده و حال آنکه یکی از چیزهایی که باید تصریح شود عدم معروفیت به فساد عقیده است و در این زمینه هم پیشنهادی کرده ام *

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بطوریکه آقای آقا سید فاضل فرمودند معلوم میشود این ماده را قبول دارند ولی می خواهند يك جمله را بر آن اضافه بکنند بنده باز تکرار میکنم چون میخواهم زودتر قانون استخدام بگذرد کمیسیون باز است و آقایان هر چه پیشنهاد مرحمت بفرمایند قبول می شود و همچنین از خارج هم غیر و کلا هر پیشنهاد کنند قبول میکنم برای يك قانون خوبی که حقوق عامه را حفظ کنید از مجلس چهارم بگذرانیم و بنابراین در مسئله فساد عقیده و سایر چیزهایی که محقق است جای گفتگو نیست و البته باید همان فساد عقیده را ذکر

کرد والا عقاید مذهبی در هر مذهبی سر جای خود محترم است و در مملکت دارندگان هر مذهب محترمند ولی اگر در خود آن مذهب فساد عقیده داشته باشند باید مجرم باشند *

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه نطق) حاج میرزا مرتضی - بنده همین را می خواستم عرض کنم که آقای آقا سید فاضل فرمودند *

رئیس - آقای کازرونی موافقت یا مخالف ؟ آقا میرزا علی کازرونی - بنده مخالفم *

رئیس - بفرمائید *

آقا میرزا علی کازرونی - بنده این قسمت را نا تمام و ناقص می دانم زیرا مقصود ما این است که مستخدمین دارای حسن اخلاق و دیانت باشد یعنی باید قسمت اثباتی را بگیریم نه قسمت منفی را زیرا بسا اشخاص هستند که فساد عقیده دارند ولی معروف نیستند ما باید بگوئیم معروف به حسن اخلاق و دیانت باشند *

مخبر - فرمایش غریبی آقا فرمودند یکی را میخواهند ثابت کنند در تمام شهر بگیرند و تحقیق کنند و نه بپند آری معروف به حسن اخلاق هست یا نه ؟

البته باید حمل کرد نه صحیح الاخلاق است و عدم معروفیت کافی است و الا نمیشود هر کسی بطوری معروف به حسن اخلاق باشد که همه مردم بگویند آدم خوبی است رئیس - در قسمت چهارم مذاکرات صدافی است یا خیر ؟

(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - قسمت پنجم داشتن تصدیق - نامه الی آخر آقای محقق العلماء (اجازه)

محقق العلماء - بنده گمان میکنم درجه اول استخدام از ثباتی شروع میشود بنابراین باید تصدیق نامه سال سوم متوسطه را دارا باشد می خواستم سؤال کنم که آیا پائین تر از ثباتی را استخدام نمیگویند ؟

مثلا يك پیشخدمت که تصدیق نامه ابتدائی را ندارد مستخدم هست یا خیر ؟

مخبر - اول کسی که از مدرسه ابتدائی بیرون آمده او را مستخدم نمیکنند و اگر هم بگوئیم مدرسه متوسطه را تمام بکنند اغلب مردم تمکن آنرا ندارند که مدرسه متوسطه را هم طی کنند سه سال زحمت کشیده است و قابلیت پیدا کرده ابتدای خدمت هم ثباتی است بعد منشی سوم میشود و ترقی میکند منشی دوم میشود و هکذا درجات بالاتر و برای ثباتی سه سال که در مدرسه متوسطه درسی خوانده کافی است و انصاف نیست کسانی که نمیتوانند مدرسه متوسطه را طی کنند از استخدام مجرم باشند

محقق العلماء - می خواهم توضیح بدهم *

رئیس - بفرمائید *

محقق العلماء - این جواب بنده نبود *

رئیس - اگر راجع به مطلب خودتان توضیحی دارید بفرمائید *

محقق العلماء - بلی راجع به عرض خود توضیح می دهم بنده عرض کردم درجه اول استخدام را ثباتی قرار داده اند و یکی از شرایط استخدام داشتن تصدیق نامه سال سوم مدرسه متوسطه است یا معلوماتی مطابق او باشد پس آیا مادون ثباتی را تنها استخدام نمی دانند مثلا پیشخدمت مستخدم نیست در صورتیکه يك سواد فارسی جزئی برای او کفایت میکند خواستم این را توضیح بدهم که آیا مادون ثباتی استخدام و درجه هست یا نه ؟

وزیر مالیه - خدمت رسمی اداری از ثباتی میشود مادون آن استخدام رسمی نیست و بهمین مناسبت هم تصدیق نامه سال سوم متوسطه را برای آن قائل نشده اند کسیکه دارای این تصدیق نامه باشد میتواند داخل خدمت رسمی بشود و يك پیشخدمت را که تحصیلات مقدماتی نکرده در جای خود می پذیرد و البته بموجب ماده کدر آخر قانون ذکر شده از حقوق رسمی و تقاعدی هم استفاده خواهد کرد ولی جزء خدمت رسمی محسوب نمی شود *

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - موافقم *

رئیس - آقای رفعت الدوله موافقت یا مخالفت ؟ رفعت الدوله - بنده قانع شدم *

رئیس - آقای سلیمان میرزا چگونه ؟ سلیمان میرزا - موافقم *

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد موافقت یا مخالفت ؟

حاج میرزا علی محمد - بنده می خواستم به بینیم (یا معلوماتی مطابق آن) چه معنی دارد ؟

مخبر - مثلا کسی میخواهد مستخدم شود ولی تصدیق نامه سال سوم متوسطه را ندارد حاضر است آن معلومات را امتحان بدهد او را قبول میکنند *

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟ (گفته شد خیر)

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی بنده سن را بیست و یکسال پیشنهاد می نمایم (مستشار السلطنه)

پیشنهاد میکنم بجای قیام اقدام نوشته شود (مدرس)

بنده پیشنهاد میکنم که در اول طلب خدمت رسمی در صورتیکه دارای شرایط چهار

گانه باشد و سن او پانزده سال باشد در خدمت دولتی پذیرفته شود (آقا سید یعقوب) بنده پیشنهاد میکنم برای رفع ابهام و احتراز از مشکلاتی در آتیه آقای محترم کمیسیون قبول فرمایند که عبارت قیام بر علیه حکومت ملی در کمیسیون استخدام با كمك هر کس که در این مطلب نظری دارد توضیح و تکمیل شود (محمد هاشم میرزا) پیشنهاد می کنم که سن را بیست سال قرار بدهند و نوشته شود (سن کمتر از بیست سال نباید باشد) (عبدالوهاب رضوی ، امین الشریعه ، شیخ الاسلام اصفهانی ، سید فاضل کاشانی ، محقق العلماء ، مدرس)

بنده پیشنهاد می کنم در شرط سیم چنین نوشته شود که متضمن محرومیت ابدی از حق استخدام دولتی باشد (میرزا سید حسن کاشانی)

بنده پیشنهاد می کنم که کلمه اقدام بعد از قیام در ماده سوم اضافه شود حاج میرزا علی محمد دولت آبادی *

بنده پیشنهاد می کنم فقره چهارم از ماده دوم چنین نوشته شود ۴ - عدم معروفیت به فساد عقیده و اخلاق و عدم تجاهر بفسق و عدم اعتیاد با استعمال افیون و مبتلا نبودن بامراض مسریه (سید فاضل کاشانی)

بنده پیشنهاد می کنم عدم معروفیت بفساد عقیده را ضمیمه نمایند (حاج سید مرتضی)

بنده پیشنهاد می کنم اینطور نوشته شود قیام بر علیه حکومت ملی نکرده باشد دست قیام

در جمله سوم - عدم محکومیت به جنایت و همچنین به جنحه که متضمن محرومیت از حق استخدام دولتی باشد بنده پیشنهاد می کنم که جمله (که متضمن محرومیت تا آخر) حذف شود زیرا که هر محکومیت به جنحه و جنایت مجرم کننده است و محتاج باین قید نیست (ابراهیم قمی)

بنده پیشنهاد می کنم که در ذیل قسمت سوم بعنوان تبصره نوشته شود : قیام بر خلاف حکومت ملی عبارت است :

۱ - قیام در اموری که اسباب تبدیل حکومت ملی باستبداد باشد

۲ - موافقت با یکی از دول خارجه بر علیه استقلال یا انتظامات داخلی

۳ - موافقت با کسانی که مباشر اختلال امور عمومی و انتظامات داخلی هستند

۴ - جلب قوای مسلحه اجانب بداخله مملکت با موافقت و قبول خدمت آنها در این حین تجاوز بداخله مملکت

۵ - مسبب تعطیل مجلس شورای ملی در حالی که موجبات قانونی در کار نباشد

۶ - کسانی که برخلاف جریان طبیعی

انتخابات سعایت کرده باشند

۷- قبول مشاغلی که منافق حبشیات دولت و ملت باشد از طرف دول اجنبی (میرزا علی کازرونی) بنده پیشنهاد می کنم که قسمت چهارم اینطور نوشته شود: معروف به حسن اخلاق و دیانت باشند و معتاد باستعمال افیون و مبتلا بامراض مسریه نباشند (میرزا علی کازرونی) بنده فقره چهارم را اینطور پیشنهاد می کنم

عدم محکومیت بفساد عقیده و اخلاق و نجاهر بفسق الی آخر (مساوات) رئیس - پیشنهادات به کمیسیون ارسال می شود. بقیه مذاکرات می ماند برای جلسه بعد، جلسه آتی روز ۵ شنبه ۴ ساعت قبل از ظهر دستور بقیه شور اول در قانون استخدام، مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر)

رئیس - راجع باهالی ارومیه بنده از آقایان نمایندگان آذربایجان تمنا کردم اظهارات ایشان را اصفا کنند اگر مطالبی دارند بمرض مجلس برسانند بطور خلاصه چیزی نوشته شده است ولی گمان نمی کنم در این جلسه بشود نتیجه گرفت قرائت می شود تکلیفش در جلسه بعد معلوم خواهد شد

(بمضمون ذیل قرائت شد) ما امضاء کنندگان ذیل بامر ریاست محترم مجلس شورای ملی برای رسیدگی باظهارات اهالی ارومیه جلسه خصوصی تشکیل داده و در نتیجه پیشنهاد ذیل را تقدیم مجلس شورای ملی می نمایم اولاً کمیونی مر کب از نه نفر نمایندگان محترم انتخاب و به فقرات ذیل رسیدگی فرمایند

۱- کمیسیون فوق بحاسبه وجه اعانه ارومیه رسیدگی و هر مبلغ زودتر کس باشد بوسیله هیئت دولت مطالبه و وصول نمایند

ب - کمیسیون پیشنهاداتی دائر بطرز مساعدت عملی بموم مهاجرین ارومیه . ملدوز و سلمات چه در مرکز و چه در آذربایجان هستند تهیه و به مجلس شورای ملی تقدیم نمایند ۲۸ ذی قعدة ۱۳۴۰ رئیس - جزو دستور جلسه آتی خواهد شد

محمد هاشم میرزا - انتخاب کمیسیون ها هم خوب است جزو دستور باشد رئیس - این مسئله مدتی است جزو دستور است ولی آقایان مساعدت نمی فرمایند آقای معتمد التجار

(اجازه)

محمد التجار - راجع باوضاع آذربایجان یاره عرایض داشتم. اجازه می خواهم در جلسه آینده در اول جلسه بمرض

آقایان برسانم

رئیس - بسیار خوب

جلسه تقریباً نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد

مؤتمن الملک
جلسه صد و دوازدهم
صورت مشروح مجلس یوم
۵ شنبه دهم شهر ذی قعدة ۱۳۴۰
مطابق پانزدهم سرطان
۱۳۰۱

مجلس ۲ ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوم ۳ شنبه سیزدهم سرطان و آقای امیرناصر قرائت نمودند رئیس - آقای محمد هاشم میرزا .

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - در جلسه گذشته بنده عرض کردم مر بالغ رشدی چنانچه موافق قانون اسلام هم هست نمی تواندم خود را بدست گرفته و خودش شخصاً داده کند در صورتی که امور سلطنت را در هر بجهه سالکی شخص شخص سلطان اداره میکنند دیگر لازم نیست در این لایحه قید شود اعضا ادارات حتماً ۲۱ سال داشته باشند و این دلیل بنده در صورت مجلس ذکر نشده .

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد .

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - عرایض بنده ۲ قسمت بود یکی اینکه قیام برضد حکومت ملی توضیح شود . یکی هم اینکه بعد از حفظ قیام اقدام هم نوشته شود . و در اینجا قسمت دوم نوشته نشده است .

رئیس - اشاره می شود . نسبت به صورت جلسه دیگر مذاکراتی نیست .

اظهاری نشد

رئیس - صورت مجلس با این ۲ فقره اصلاح تصویب شد آقایان رئیس التجار و نصرت الدوله از آقای وزیر پست و تلگراف سؤالی داشتند

وزیر پست و تلگراف - اگر اجازه می فرمائید قبلاً آقای خیر السلطنه را که یکی از قدیمترین اعضاء وزارت پست و تلگراف هستند بسمت معاونت وزارت پست و تلگراف معرفی می کنم .

رئیس - آقای نصرت الدوله اجازه

نصرت الدوله - سؤال بنده از آقای وزیر پست و تلگراف راجع بدفاتر پست جنوب بود می خواستم توضیح بفرمائید وضعیت فعلی این دفاتر چیست وقراری که در کنگره مادرید نسبت باین دفاتر داده

شده بچه مناسبت تاکنون آن قرار اجرا نشده است و علت تأخیر آن چه بوده است .

وزیر پست و تلگراف - این موضوع ختم است و امیدوارم در آتی خیلی نزدیکی تصرف دفاتر جنوب را بتوسط مامورین پستخانه که عنقریب در شرف عزیمت هستند بمرض مجلس شورای ملی برسانم .

نصرت الدوله - بنده این سؤالی که کردم برای این بود که توضیحات بیشتری در مجلس دریافت کنم ولی این اندازه که آقای وزیر پست و تلگراف می فرمائید مسئله ختم است و امیدوارم مامورین دولتی در آتی خیلی نزدیکی دفاتر را تحویل بگیرند بنده رافانغ نمیکند بنده می خواستم بدانم وضع این دفاتر چگونه است وجه شده است ؟ و سبب چیست ؟ در صورتی که يك سال از موقع قرارداد کنگره مادرید می گذرد تاکنون این دفاتر تحویل نشده کتازہ پس از یکسال باید انتظار داشت کدر آتی نزدیک تحویل خواهد شد .

وزیر پست و تلگراف - چنانچه عرض کردم مدتی است این موضوع مطرح بحث و مذاکره است و عنقریب آن دفاتر که عبارت از ۸ دفتر در خلیج فارس و چهار دفتر در عربستان می باشد بتصرف اعضاء پستخانه درمی آید و جزئیات آن هم بمرض مجلس خواهد رسید .

رئیس - آقای رئیس التجار اجازه

رئیس التجار - يك کتابچه از قرار دادهای تلگرافی دولت با کمپانی انگلیس چندی قبل طبع و از وزارت پست و تلگراف بمجلس فرستاده بودند ولی خیلی ناقص نوشته بودند بقیه اش را هم جمع آوری کرده و خواهد فرستاد در آن کتابچه ۲ سه فقره مطالب بود که لازم بود بنده راجع بآنها از آقای وزیر سؤالاتی بکنم و امروز هم قبلاً خدمتشان عرض کردم و فرمودند عنقریب کلیه صورتهائی جمع آوری نموده و به مجلس فرستاده می شود و موقعی که صورتهای به مجلس آمد بنده سؤالات خود را تجدید خواهم کرد .

وزیر پست و تلگراف - عنقریب بمجلس تقدیم می شود .

رئیس - آقای تدین . اجازه

تدین - بنده راجع بانفصال معاون سابق وزارت پست و تلگراف سؤال از آقای وزیر داشتم .

وزیر پست و تلگراف - این سؤال بنده اخطار نشده است .

تدین - بنده سؤال خود را عرض میکنم بعد هر چه می خواهند جواب بفرمائید

فعلاً خاطر نمایندگان محترم را جلب میکنم که این موضوع خیلی مهم است . بطوریکه معلوم است آقای مخبرالدوله معاون وزارت پست و تلگراف معزول و بجای ایشان آقای خیر السلطنه منصوب شده اند اولاً عرض میکنم بنده هیچ نظر سوئی نسبت بآقای خیر السلطنه ندارم بلکه خدمتشان ارادت دارم و مخالف ایشان نیستم و علاقه خاصی هم بآقای مخبرالدوله ندارم که از نقطه نظر خصوصی بخوام از ایشان دفاع کنم .

در ایران تاکنون يك اصلی مرسوم بوده و هست و آن اصل این است که وزیر وقت همیشه اختیار داشته است معاون وزارت خانه خود و رئیس کابینه را تغییر بدهد ولی موضوع انفصال آقای مخبرالدوله اگر چنانچه در اثر ثبوت تقصیر و خطائی اداری می بود بسیار بجا و بموقع بود بنده هم خیلی مایل هستم که هر يك از اجزاء کل یا جزء وزارتخانه وقتی منفصل می شوند در اثر ثبوت تقصیر و خطای اداری باشد ولی آنچه بنده اطلاع دارم آقای مخبر الدوله به يك محکمه جلب نشده اند . شورای اداری یا محکمه هم تشکیل نشده است که در اثر آن محکوم به خطا یا تقصیر اداری شده باشد در اینجا يك موضوعات دیگری است که من ناچارم عرض کنم و در آخر هم عقیده خود را اظهار کنم یگانه کسی که در وزارت پست مخالف جدی مولیر بود و اسناد و خطا کارهای مولیر را تهیه کرده بود شخص مخبرالدوله بود و تصدیق خود آقای وزیر پست و تلگراف به جهة این مسئله بهترین دلیل است . بعضی از آقایان نمایندگان در کمیونی که بجهت رسیدگی بحساب مولیر و عملیات او هفته قبل در دربار تشکیل شده بود تشریف داشتند آقای وزیر پست و تلگراف بالصراحه اظهار فرمودند که چون مخبر الدوله مخالفین مولیر است و چون ایشان یگانه مخالف جدی مولیر هستند و از اسناد و مدارك كاملاً مستحضرید باین جهت ایشان را دعوت کردیم تا كاملاً توضیح بدهند حالا نتیجه آن کمیسیون چه شد و چه شكل عجیب و غریبی به خود گرفت به ماند به آنها کاری ندارم . ولی از خارج می شنوم راجع بآقای مخبرالدوله از یکی از مقامات عالیه ابتدا شفاهاً بایشان اظهار می شود که باید از شغل خود استعفا بدهید زیرا يك موجباتی ایجاد شده و يك فشار هائی پیدا شده است که از اثر آن فشار ها است که وجود شما در این وزارت خانه تولید اشكال میکند مخصوصاً به ایشان گفته شده بوده است که حاضر هستیم تا موقعی که کار ندارید حقوق شما را تأمین کنیم ولی مخبرالدوله در جواب می گوید اگر من تقصیری کرده ام خیانتی کرده ام حاضر هستم معا که شوم محکمه تشکیل

دهند بعد از آنکه تقصیر من بقبول رسیده
اول انفصال و بعد هر مجازاتی قرار بدهید
من میبندم و اگر چنانچه خطا و تقصیر
اداری ندارم به چه دلیل استعفا بدهم در
جواب به ایشان گفته میشود خبر اینطور نیست
بعد کتباً بایشان نوشته می شود مستعفی
شوید تا موقتی که برای شما کار پیدا شود
حقوق شما تأمین می شود ایشان جواب
مینویسند مطلب همانطور است که قبلاً گفته
شده و این دو نوشته هم موجود است. بهر
جهت آنچه بنده احساس می کنیم این اقدام
آقای وزیر پست و تلگراف در این موقتی
یک نتیجه بسیار سوئی برای آینه مملکت
خواهد داشت چرا؟ برای اینکه بعد
از این تکلیف اعضاء و مستخدمین ادارات
باین ترتیب معلوم است یعنی از این تاریخ
به بعد هر چه از مستخدمین اروپائی دیدند
نباید يك كلمه حرف بزنند زیرا نتیجه
انفصال و خروج از خدمت است بلی آقای وزیر
حق دارند مطابق معمول معاون
خودشان را بپیل خود انتخاب کنند ولی
تصانف می فرمایند هر حق را در هر موقع
نمی شود اجرا کرد بنده عرض میکنم اگر
مخبر الدوله خطائی کرده است او را معاف
کنید و اگر تقصیرش ثابت شد او را انفصل
کنید و اگر هم طرف اعتماد شما نیست و
این مسئله موجبانی دارد و باید موجبات آن
معلوم شود والا انفصال مالیه مخبر الدوله
را بدون معافانه و ثبوت تقصیر جز اینکه
چون برضد مولتر و مخالف او بوده است
و او را معزول نموده اند به چیز دیگری
می شود حمل کرد

بنابر این بنده نمی خواهم این یادگار
از حضرت عالی در این وزارتخانه باقی بماند
و تا دیشب که بنده اطلاع داشتم آقای مخبر
السلطنه هنوز استعفا خود را کتباً نفرستاده
اند حالا اگر عیالی از این دارد خوب است
بیان فرمایند و اگر امروز هم نمیتوانند
حالت آن را بفرمایند فردا بفرمایند

وزیر پست و تلگراف - خوب است
که نماینده محترم اطلاعاتشان زیاده تر از
وزیر است این فرمایشانی را ایشان فرمودند
بنده بهیچوجه از آنها اطلاعی ندارم ولی
يك نکته خودشان بیان فرمودند که وزیر
حق دارد معاون خود را تغییر بدهد البته
این مسئله احتیاج به خفایت و تقصیر ندارد
وزیر وقتی معاون خود را هم سلیقه خود
دید او را نگاه می دارد و اگر با او هم سلیقه
نیست او را تغییر می دهد هیچ خفایتی هم
موجود نیست هیچ تقصیری هم لازم نیست
و این بیاناتی را که فرمودند بنده هیچ
اطلاعی ندارم و اگر اطلاعی هم در این
موضوع پیدا کردم بمرض میرسانم راجع به
کمیسون دربار هم یکی از اشخاصی
که مخالف در صلاحیت آن کمیسون
بودند خود آقای تدین بود جمعی از روسای
پست و تلگراف و وزرای سابق به دربار

دهوت شدند که کمیسونی تشکیل داده و
بمساب مولتر رسیدگی نمایند سه ساعت
تمام که از ساعت دو قبل از ظهر الی یکساعت
بعد از ظهر باشد آقایان مذاکره نمودند و
بالاخره رای دادند که کمیسون صلاحیت
ندارد بهر جهت مسئله تغییر معاون هیچ مربوط
به مولتر نبوده البته مسئله مولتر هم تعقیب
می شود ولی مسئله را که آقای تدین
فرمودند جداً تکذیب میکنم و تغییر معاون
ابدأ ربطی به مسئله مولتر ندارد
تدین - اولاً تکذیب جناب عالی
اسناد را از بین نمی برد ثانیاً بطوریکه
عرض کردم وزیر حق دارد معاونش را تغییر
دهد ولی این در صورتی است که اذنان
مشوب نشود که این انفصال مربوط بیک
خصوصیاتی است

وزیر پست و تلگراف - آقای

تدین تقریباً استیضاح میکند اگر استیضاح
است خوب است مقرر فرمائید بنویسید تا
بنده حاضر شوم جواب استیضاح را بدهم
همه بین نمایندگان - این استیضاح
است

صدای زنك - امر بسکوت

رئیس (خطاب به آقای تدین) اظهارات
را بطور سؤال بفرمائید

تدین - این تغییر معاون امروز
تأثیرات سوئی خیلی زیاد است ولی راجع
به کمیسون بنده لازم می دانم مختصری
عرض کنم ایشان کاملاً حقایق را فرمودند
در کمیسون اولاً سؤال شده که این کمیسون
چه صلاحیت دارد کمیسون تعقیب است
محکمه است؟ چیز دیگر است گفته شد
کمیسون تعقیب است بعد مذاکره شد که
آیا رای این کمیسون فقط مدرک است
برای عملیات دولت؟ اعضاء کمیسون
گفتند اما بدانیم رای ما قاطع است
شروع باین کار نخواهیم کرد
داخل مذاکره نمی شویم آقای وزیر فرمودند
این کمیسون استماع است بنده گفتم آقای
وزیر چه عقیده دارند باینکه سابق این
اعتراضات شده گفتند من عقیده ندارم گفتم
پس خوب است آقای وزیر تحقیقات لازم را
نموده آنوقت پس از تحقیق بمسئو مولتر
رابری الذمه می دانند یا بعکس او را مقصر
می دانند آنوقت هر عقیده پیدا نمودند در
مجلس علناً اظهار دارند یا بگویند من که
وزیر وقت هستم مسئو مولتر را بر خلاف
وزیر سابق بری الذمه می دانم باین که
می گویند او را مجرم می دانم آنوقت اگر
او را مجرم دانستند شما میشود مدعی و
مسئو مولتر مدعی علیه خواهد بود و در این
صورت این مسئله بیکی از دو طریق می تواند
حل شود یا با اصول حکمت یا بطریق ارجاع
به محکمه صالحه آنوقت اگر قرار با اصول
حکمت شد ما حاضر هستیم عقاید خود را
اظهار کنیم مشروط بر اینکه طرفین یعنی

مدعی و مدعی علیه هر دو تصدیق کنند که
هر چه این کمیسون رای داد آن رای حتی
الاجرا باشد و اگر معتقد به اصول حکمت
نشوند آنوقت بایستی به محکمه صالحه که
محکمه وزارت خارجه است ارجاع شود و
در آنجا تحقیق و رسیدگی نمایند بالاخره
نتیجه مذاکرات این شد که آقای وزیر بر روند
دوسه های اینکار را ملاحظه کنند و تحقیقات
لازمه نموده عقیده خود را به کمیسون
اطلاع بدهند نه اینکه کمیسون گفته باشد
ما صالح نیستیم و آن مذاکرات که فرمودند
در ابتداء امر شد

رئیس - قانون استخدام مطرح است
ماده سوم قرائت می شود
(شرح زیر قرائت شد)

ماده سوم - علاوه بر شرایط مندرجه
در ماده دوم داوطلبان خدمت رسمی در ادارات
هر وزارتخانه باید معلومات لازم و شرایط
اختصاصی نظامنامه داخلی اداره مربوطه را
دارا باشد

رئیس - آقای وكن الملك
(اجازه)

وكن الملك - در ماده سوم لفظ
(داوطلبان) بنظر بنده شامل حال مستخدمین
فعلی وزارتخانهها نمی شود در صورتیکه
این قانون باید هم شامل داوطلبانی که بعدها
خواهند آمد بهر جهت عقیده بنده اینست
که آقای مخبر قبول کنند هم در ماده سوم و هم در ماده
دوم عوض (داوطلبان) مستخدمین رسمی وزارت
خانه نوشته شود

مخبر - این قانون برای آتیه است
برای مستخدمین فعلی در آخر این قانون
چند ماده نوشته شده و تکلیف آنها را معین
کرده است

رئیس - آقای دست غیب
(اجازه)

حاج سید محمد باقر دست غیب -
علاوه بر این ماده سوم را زائد می دانم و
ذکر آنرا در اینجا لازم نمی دانم و چون
در ماده سوم مینویسد:

علاوه بر شرایط مندرجه در ماده دوم
داوطلبان خدمت رسمی ۰۰۰۰ الی آخر
اینجا ذکر این ماده جداگانه لازم نیست
چنانچه در ماده دوم شرایط معین شده
و نوشته اند داوطلبان ادارات لشوری باید اول
تبعیت ایران را دارا باشند دوم هیچگاه
سال داشته باشند

سوم چه باشند چهارم چه باشند این
ماده را هم جزو شرایط ممکن بود بنویسند
و ماده فوق العاده لازم نبود

مخبر - آن شرایطی که در ذیل ماده
دوم نوشته شده است شرایط عمومی است
یعنی تمام مستخدمین باید آنها را دارا باشند
ولی این شرطی که اینجا نوشته است برای
این است که بعضی مشاغل در هر وزارتخانه
يك معلومات مخصوصی لازم دارد مثلاً وزارت

فوائدنامه معلومات علیحده لازم دارد وزارت
داخله معلومات قسم دیگر که در نظامنامه
هر يك از وزارتخانهها قید میشود باینجهت
نوشته شد است که علاوه بر شرایط عمومی
مندرجه در ماده دوم باید شرایط و معلومات
آن وزارتخانه دارا باشد

رئیس - آقای سید یعقوب
(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده موافقم
رئیس - آقای سلیمان میرزاهم
موافقت

سلیمان میرزا - بلی
رئیس - آقای وكن الملك
(اجازه)

وكن الملك - این توضیحی که آقای
مخبر دادند و فرمودند تکلیف مستخدمین
فعلی وزارتخانهها در آخر قانون چند ماده
نوشته شده است بنده هر چه نگاه می کنم
چنین ماده نمی بینم و گمان می کنم که اگر
اینطور رای بدهیم پس از گذشتن این
قانون اگر فرشتا مستخدمین هزاره ساله
در وزارتخانهها باشند میتوانند بگویند این
شرایط شامل حال ما نیست

مخبر - همانطور که قبلاً عرض کردم
این قانون برای آتیه است و شامل حال
مستخدمین که فعلاً در ادارات هستند نمیشود
و نمی توان آنها را خارج نمود چون سابقاً
قانونی نبوده و بیک ترتیبی داخل شده اند
راجع بآنها هم در آخر يك ترتیبی داده
شده

رئیس - آقای ارباب کیخسرو
(اجازه)

ارباب کیخسرو - این ماده البته
خیلی لازم است ولی بنده از آقای مخبر
سؤالی داشتم و آن این است که بعضی
وزارتخانهها نظامنامه ندارند و باین قید
صریحی که در اینجا شده است چه صورت
دارد بنده می خواستم بدانم که آیا آقای
مخبر تحقیق فرموده اند تمام وزارتخانهها
نظامنامه دارند و مدون شده است یا خیر و
اگر ندارند باین قید صریحی که در اینجا
شده است این مسئله چه صورت دارد

مخبر - در این قانون ماده ایست که
معین کرده است باید هر يك از وزارتخانهها
تا سه ماه دیگر از برای خود نظامنامه داخلی
تهیه نمایند

رئیس - آقای دست غیب
(اجازه)

حاج سید محمد باقر دست غیب -
آقای مخبر در ضمن اینکه خواستند این
شرط را يك شرط خصوصی قرار بدهند تصدیق
کردند که یکی از شرایط عمومی است برای
اینکه فرمودند این شرط مخصوصی وزارت
خانه است در صورتی که ما يك شرایط
مخصوصی برای وزارتخانهها نداریم اولاً
در جلسه گذشته فراش و پیشخدمت را استثناء

کردند پس باستثنای آنها هر مستخدمی که داخل در ادارات دولتی می شود باید دارای يك شرایط عمومی باشد مثلا ایالت شعبه است از وزارت داخله و از هر وزارتخانه شعبی متفرع می شود و مستخدم آن شعب جزو آن وزارتخانه حساب می شود پس این که فرمودند مستخدم هر وزارتخانه باید دارای يك شرایط مخصوصی باشد اینطور نیست و این شرط يك شرط عمومی است و شامل حال هر وزارتخانه می شود زیرا ما مستخدمی نداریم که از صنف این وزارتخانه ها خارج باشد برای اینکه با داخل در وزارتخانه است یا در ایالات و ولایات که شعب وزارتخانه مرکزی است پس در هر صورت این شرط يك شرط عمومی است مثلا تبعیت ایران در هر وزارتخانه یکی از شرایط عمومی است معلومات هم نسبت به وزارتخانه یکی از شرایط عمومی است بنا بر این می خواهم عرض کنم ماده سوم لازم نیست و اگر قبول می کنند این جمله را جزء ماده سوم داخل نمایند

وزیر پست و تلگراف - بر عکس

نظریه آقای دست غیب بنده این ماده را خیلی لازم می دانم برای اینکه وزارتخانه ها و ادارات دولتی يك قسم مستخدمین و اجزاء عمومی دارند و بعضی از وزارتخانه ها همانطور که آقای مخبر فرمودند مستخدمین دارند که خارج از اجزاء عمومی هستند و این ماده بیشتر شامل حال آن قبیل اجزاء می شود مثلا بعضی اجزاء وزارت خارجه باید دارای معلومات مخصوصی باشند سوای معلومات اجزاء سایر وزارتخانه ها و باید از مدرسه سیاسی دیپلم داشته باشند و علوم سیاسی را تحصیل کرده باشند یا بعضی اجزاء وزارت هدیه که باید يك رشته تحصیلات قضائی و حقوقی کرده باشند تا بتوانند داخل در عضویت آن وزارتخانه بشوند در صورتی که برای سایر وزارتخانه ها لازم نیست پس بنا بر این ذکر این ماده خیلی لازم است

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد جمعی گفتند کافی است

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود به مضمون ذیل قرائت شد

ماده چهارم - دخول در خدمت رسمی باید بطور سابقه بعمل آید و هر وزارتخانه مکلف است ترتیب سابقه را مطابق احتیاجات اداری در نظامنامه داخلی خود قید نمایند

رئیس - کسی اجازه نمی خواهد ! ماده پنجم قرائت می شود

ماده پنجم - مدتی را که مستخدمین در ابتداء ورود بخد مت بعنوان عضو مبتدی کار می کنند جزء مدت خدمت رسمی آنها محسوب نمی شود و ابتداء خدمت مستخدمین از روزی است که رسماً داخل خدمت شده

باشد و در موقع ترفیع رتبه یا اضافه مقرری مدت خدمت رسمی رعایت میشود اهم از اینکه در يك وزارتخانه خدمت کرده باشد یا در وزارتخانه های مختلفه مشروط بر اینکه خروج از يك وزارتخانه در نتیجه محکومیت یا انفصال نبوده و دخول در وزارتخانه دیگر با اجازه وزارتخانه اولی باشد و مدت خدمت بعنوان عضو مبتدی لا اقل شش ماه خواهد بود

رئیس - آقای فتح الدوله (اجازه)

فتح الدوله - بنده با این جزء از ماده که می گوید خدمت عضو مبتدی جزء خدمت رسمی محسوب نمی شود مخالفم و عقیده دارم اشخاصی که در يك وزارتخانه بطور استاز خدمت می کنند وقتی رسمیت پیدا کردند در موقع ترفیع رتبه یا در موقع اضافه حقوق این مدت استاز جزء خدمت آنها محسوب می شود و الا اگر بنا باشد بکلی محسوب نشود آنوقت آن مستخدم نمی تواند با شوق و ذوق کاملی خدمت نماید بنا بر این باید وقتی رسمی می شود در موقع ترفیع رتبه و غیره آن مدت محسوب شود و اگر محسوب نشود دیگر دلخوشی ندارد که در مدت خدمتش کار بکند

وزیر پست و تلگراف - در این موضوع يك مخالفت نظری در خارجه در قانون استخدام است در بعضی از ممالک نظیر آقای فتح الدوله را تعقیب می کند یا این که در زمان رسمیت استخدام آن مدت را محسوب می دارند یا يك وجهی بر رسم مدد معاش بآنها می دهند که يك رعایتی از حال آنها شده باشد در آنجا هم کمیسیون وقتی این قانون را نظری کرد يك جدیتی در این موضوع نداشت که حتماً رعایتی از آنها نشود یا مدت خدمتشان محسوب نشود ولی معلوم است صرفه دولت بر این است اشخاصی که ۶ ماه یا ۲ ماه بطور استاز خدمت می کنند از طرف آنها تمهیلی بفرزانه دولت نشود و ممکن است اگر آقایان موافقت بفرمائید يك رعایتی بحال آنها برای این مدت خدمت بشود و اگر هم این نظر را داشته باشند که تمهیلی بیودجه و خزانه دولت نشود البته رعایتی نخواهند نمود

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - اینکه در این ماده نوشته شده است باید اجازه وزارت خانه اولی باشد این را بنده يك ظلمی می دانم برای این که مستخدمانی که نیست بلکه يك خدمتی است اختیاری بیچاره می بیند حقوق این وزارت خانه کفاف مخارج او را نمی نماید یا معلوماتی که دارد بدر دین وزارت خانه نمی خورد و بدر وزارت خانه دیگری می خورد چرا باید مجبورش کنیم

که وزیر یا او اجازه بدهد اختیارات مردم را بدون دلیل محدود کردن بنده برخلاف قانون می دانم مخبر - این برای این است که اختلافی در امور وزارت خانه ها پیدا نشود بکنفر در يك جائی خدمت کرده خوب هم خدمت می کند از يك وزارتخانه دیگر از يك وزارتخانه دیگر او را تحریک می کنند بپایند اگر می خواهند بپایند باید از آن وزارت خانه اجازه بخواهند و او را بپایند این بهتر است از این که بدون اجازه برود و اسباب اختلال فراهم شود رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

حاج سید محمد باقر دست غیب - بنده با دو جزء از این ماده مخالفم یکی همان است که آقای فتح الدوله فرمودند که خدمت رسمی را باید از روزی حساب کرد که داخل در خدمت میشود برای این که الان مستخدم بیچاره حاضر شده است و خدمت می کند پول که باو نمی دهند این مدت شش ماه را هم که خدمت می کند اگر در ترفیع رتبه حساب نکنند يك ظلم فاحشی است و اگر خدمت را از روز ورود حساب کنند يك تشویقی است برای حسن خدمت و هر کس داخل در خدمت می شود این عبارت قانونی او را تشویق می کند اما در باب اجازه بنده با شاهزاده محمد هاشم میرزا موافقم گذشته از اینها شاید کسی که در يك وزارتخانه خدمت می کند وزیر یا او غرض داشته باشد و وقتی بخواهد اجازه بگیرد وزیر باو اجازه ندهد در صورتی که می بیند در این وزارتخانه آموزش نمی گذرد آنوقت این بیچاره باید در اینجا معطل و پیریشان باشد یا این که می بیند معلوماتش بدر آن وزارت خانه نمی خورد و باین جهت می خواهد از این وزارتخانه استفاده بدهد و در يك وزارتخانه دیگر مشغول خدمت شود آنوقت باید ده یا نوزده روز از وزیر تعلق بگیرد و بالاخره وزیر هم باو اجازه ندهد و این يك ظلمی است مخبر - در این مسئله يك اختلافی ما بین فرمایشات آقای فتح الدوله و وزیر است حقوق دادن غیر از محسوب شدن جزء خدمت رسمی است مسئله دو قسم است یکی این که ممکن است قرار بگذارند بمبتدی يك چیزی داده شود ولی جزء خدمت رسمی محسوب نشود یا این که جزء خدمت رسمی محسوب بشود ولی حقوق داده نشود بمقبیده بنده حق این است داخل خدمت رسمی محسوب نشود زیرا آن مستخدم مشغول تعلیم است و مشغول خدمت نیست ولی اگر مثل منتظرین خدمت چیزی باو داده شود عیبی ندارد

رئیس آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - نظر بنده این است هم حقوق برای آنها منظور شود و هم جزء خدمت رسمی محسوب شود یعنی رسمیت یا بر قراری حقوق توأم شود و هم چنین در این ماده که نوشته شده است با اجازه وزارت خانه اولی بنده با شاهزاده محمد هاشم میرزا موافقم و بهتر این است نوشته شود با اطلاع وزارتخانه اولی و مسئله اجازه مناسبت ندارد

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله حاج شیخ اسدالله - بنده موافقم رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - بر عکس نظریات سایر آقایان بنده هم قسمت اول و هم قسمت ثانی این ماده را خیلی خوب می دانم اما قسمت اول که مدت استاز است آن مدت برای تحصیل عملی است و بعد از آنکه تحصیلات عملی تمام شد آنوقت جزء مستخدمین رسمی محسوب می شود و اینکه می فرمایند حقوق بدهند یا ندهند این مربوط باین مسئله نیست البته اگر ممکن باشد مساعدت بد نیست حتی اگر بتوانند بشاگردان مدارس هم مساعدتی نمایند و مخارج آنها را بدهند خیلی خوب است ولی این يك مسئله دیگری است اما در مدت استاز نمی توان بکنفر را مستخدم رسمی دولت دانست زیرا این مستخدم برای تکمیل تحصیلات عملی در وزارتخانه خدمت می کند و ابتدای خدمت رسمی او از روزی است که داخل در خدمت رسمی می شود و يك اسناد رسمی از طرف دولت باو داده میشود اما قسمت ثانی که آقایان نمایندگان می فرمایند اجازه وزارت خانه لازم نیست بر عکس عقیده بنده این است که خیلی لازم است زیرا همانطور که مستخدم در وزارتخانه خدمت می کنند و انتظار ترقی را دارد و طول خدمت يك تأثیر فوق العاده در ترقی مقام و ترفیع رتبه دارد و وقتی ۵ سال یا ۶ سال در يك وزارتخانه خدمت نمود ترقی می نماید همانطور پس از این که ترقی نمود وزارتخانه انتظار استفاده از او را دارد و حالا که موقع استفاده وزارتخانه است اگر آن مستخدم بدون اجازه بیک وزارتخانه دیگر برود آن وزارتخانه انتفاع و فایده که از او باید ببرد بخواهد برد پس ما باید این نظریه را داشته باشیم که نظر وزارتخانه در دخول و خروج اشخاص شرط باشد و وقتی آن وزارتخانه بوزارتخانه دیگر تبدیل میشود با اجازه آن وزارت خانه باشد زیرا اگر اینطور نباشد آن انتقاهی که ممکن است از وجود او حاصل شود از بین میرود

رئیس مذاکرات را آقایان کافی می دانند

جمعی گفتند کافی است

رئیس ماده هشتم قرائت میشود

بمضمون ذیل قرائت شد

ماده ششم- کسانی که داخل خدمت رسمی میشوند باید براسم مذهبی قسم یاد کنند که بمملکت و ملت و اصول مشروطیت خیانت ننموده در پیشرفت صلاح و صرفه مملکت و ملت ساهی باشند و قوانین و نظامات مربوطه بمشافل خود را کاملاً رعایت کنند ترتیب مراسم تغلیف را نظام نامه داخلی هر وزارت خانه معین خواهد کرد .

رئیس- آقای تدین (اجازه)

تدین- در این ماده يك جمله ایست که بنظر غلط است در این ماده می گوید باید براسم مذهبی قسم یاد بکنند و بعقیده بنده اینجا باید يك کلمه علاوه شود و نوشته شود مطابق مراسم مذهبی باید قسم یاد کنند یا این که همان طور که بنده پیشنهاد کرده ام اصلاً این جمله لازم نیست برای اینکه مراسم تغلیف در نظام نامه داخلی وزارت خانه معین خواهد شد و ترتیب قسم خوردن هم معلوم است لذا این بنده پیشنهاد می کنم این جمله حذف شود .

رئیس- آقای مدرس موافقت یا مخالف

مدرس- بنده بایک جمله مخالفم
رئیس آقای دست غیب

اجازه

حاج سید محمد باقر دست غیب بنده هم بایک جمله مخالفم
رئیس- آقای مدرس اجازه

مدرس- در این ماده مینویسد ترتیب مراسم تغلیف را نظامنامه داخلی هر وزارتخانه معین خواهد کرد چون باید در قانون استخدام مواد مشترک که کلیه وزارتخانه ها را پوشش و مسئله تغلیف هم يك مسئله عمومی است و اختصاصی هر وزارتخانه نیست لذا گمانم این است اگر صلاح بدانید همان طور که پیشنهاد کرده ایم کیفیت تغلیف در این قانون نوشته شود . بنابراین این جمله اخیر را باید صرف نمود و بعنوان تبصره کیفیت تغلیفی که مشترك بین تمام وزارتخانه ها است در این قانون علاوه شود .

مخبر- بعقیده بنده این مسئله مفصلی است و فرضاً اگر بنویسم که باید ابتدا وضو بگیرند و در حضور وزیر رو بقبله بنشینند و چه کنند اینها يك ترتیباتی است که خیلی مفصل میشود و باید در نظامنامه داخلی هر اداره ذکر شود که مثلاً معاون در حضور وزیر و رئیس اداره در حضور معاون و اجزاء در حضور رئیس باید قسم یاد نمایند و اگر بنا شود در قانون استخدام نوشته شود خیلی مفصل میشود

رئیس- آقای دست غیب (اجازه)

حاج سید محمد باقر- دست غیب

فقط بنده بآن عبارتی که آقای تدین فرمودند يك کلمه اضافه می کنم و آن این است که خوب است نوشته شود مطابق مذهب رسمی مملکت

رئیس- آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا- بعقیده بنده باید نوشته شود مطابق مذهب خود قسم یاد نمایند بلی اگر تمام مستخدمین دارای مذهب اسلام بودند ممکن بود نوشته شود مطابق مذهب رسمی ولیکن چون این طور نیست باید نوشته شود مطابق مذهب خود

مخبر- این مسئله عیبی ندارد
رئیس آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب- بنده فرمایشات آقایان را کاملاً استماع نمودم ترتیبات قسم داخل در شرایط عامه نیست بلکه راجع بمستخدمین است که وارد در هر وزارتخانه می شوند و این مستخدمین باید مطابق نظامنامه داخلی همان اداره قسم یاد نمایند قسم خوردن يك شرط عمومی است ولی ترتیبات آن عمومی نیست و باید هر وزارتخانه در نظامنامه داخلی خود شرایط قسم خوردن را قید نماید

رئیس آقای آصف الممالک (اجازه)

آصف الممالک بنده اولاً عبارت (موافق مراسم مذهبی) را زائد میدانم البته طبعاً هر کس بخواهد قسم بخورد باید از روی مراسم مذهبی قسم بخورد ثانیاً همان طور که آقای مدرس فرمودند بایستی قسم در همه ادارات يك ترتیب باشد نمی شود در هر وزارتخانه ترتیب مخصوصی برای تغلیف نوشت و بعقیده بنده باید ترتیب آن در این قانون ذکر شود

رئیس آقای مدرس (اجازه)

مدرس- عرایض بنده را گویا آقایان درست ملتفت نشدند ترتیب قسم يك امر خصوصی است بلکه اشتراکی است و مثل سایر قوانین که این مسئله ذکر نشده بایستی يك اسلوبی معین نمود که همه وزارتخانه ها مطابق آن اسلوب قسم یاد نمایند ولو اینکه رشته شود مطابق همان ترتیبی که در قانون اساسی برای و کلا ذکر شده

رئیس- آقایان مذاکرات را در این ماده کافی نمی دانند

(جمع گفتند کافی است)

رئیس- پیشنهادات قرائت می شود بمضمون ذیل قرائت شد

باید مطابق مذهب خود قسم یاد نمایند (محمد هاشم میرزا)

پیشنهاد می نمایم که جمله (براسم مذهبی) از ماده ششم حذف شود

تدین بنده پیشنهاد می کنم پس از کلمه رعایت کند این عبارت علاوه شود (و اسرار وزارتخانه را انشاء می نماید منتصر المملک

بنده پیشنهاد می کنم که صورت قسم نامه ضمیمه قانون شود

فیروز

پیشنهاد می کنم از آخر ماده ششم بترتیب مراسم الی آخر حذف شود و ذیل ماده بعنوان تبصره نوشته شود تبصره

ترتیب تغلیف این است که داوطلب خدمت باروسای ادارات یادوایر آن اداره با کمال توقیر و تجلیل در اطاق مخصوص در اداره که کلام الله مجید در آنجا مهیا شده میروند و بیانات ذیل را داوطلب انشاء نموده و در ورقه نوشته تاریخ گذارده امضاء می نماید

بسم الله الرحمن الرحيم

در حضور کلام الله مجید خداوند را بشهادت می طلبم و متعهد میشوم که بمملکت و ملت و اصول مشروطیت خیانت ننموده در پیشرفت صلاح و صرفه مملکت و ملت ساهی باشم و قوانین و نظامات مربوطه بمشافل خود را بقدر مبسور رعایت کنم

(مدرس)

جزء سوم از ماده دوم را بشرح ذیل پیشنهاد می نمایم

عدم قیام بر علیه حکومت ملی که بمحکومت مشروطه معرفی شده و عدم مخالفت با اصول قانون اساسی (الی آخر)

عمادالسلطنه خراسانی

رئیس- این پیشنهادات بکمیسریون ارجاع میشود

ماده هفتم (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده هفتم- مستخدمین باید در حدود قوانین موضوعه و نظامات مقرر احکام و اوامر رؤسای مافوق خود را اطاعت نمایند اعمال نظریات سیاسی در امور اداری و تبلیغات برضد مذهب رسمی مملکت و یا بر علیه حکومت ملی بکلی ممنوع و موجب انفصال است

رئیس- آقای محقق العلماء (اجازه)

محقق العلماء- بنده این ماده را ناقص می دانم زیرا اولاً می نویسد اجزاء مجبورند اوامر و احکام مافوق خودشان را اطاعت کنند بنده عرض میکنم باید اوامر راجع بشغل خودشان را اطاعت کنند نه مطلق اوامر و احکام را

ثانیاً می نویسد اعمال نظریات سیاسی و تبلیغات ضد مذهب سبب انفصال است این صحیح است

ولی باید تصریح شود و دیگر آنکه بعقیده بنده تبلیغات برضد مذهب علاوه بر انفصال مجازات هم لازم دارد و این مسئله مخصوصاً باید قید شود

مخبر- راجع بمسئله اولی که فرمودند محتاج بذکر نیست معلوم است مستخدمین که در منزل خود خوابیده است مجبور باطاعت از رئیس مافوق نیست اما راجع باعمال نظریات سیاسی اینهم معلوم است مثل اینکه اگر يك رئیس مخالفت مشکلی یا کسی داشته باشد بهمان نظر با آن شخص مخالفت بکند البته این مسئله باید ممنوع باشد و هم چنین اگر در اداره تبلیغات مذهبی بکند آنهم موجب انفصال است ولی راجع بمجازات های دیگر هم در این قانون استخدامی نوشته می شود دیگر مربوط بقانون استخدامی نیست

رئیس- آقای مدرس (اجازه)

مدرس- عقیده بنده این است که قبل از کلمه تبلیغات يك لفظ دیگر هم لازم است علاوه شود و نوشته شود تجاهر و تبلیغ برضد مذهب رسمی زیرا ممکن است يك دفعه برضد مذهب رسمی تبلیغ کند ولی يك دفعه هم تبلیغ نمی کند ولی شخصاً بما هو تجاهر میکنند این مطلب بایستی بعقیده بنده ذکر شود

رئیس- آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا- کلیه این موضوع را که آقای مدرس فرمودند خیلی خوب است .

یکی هم مسئله تجاهر بفسق است که باید قید شود تجاهر بفسق در اداره که بتواند از مستخدمین در اداره نمایند بگیرند والا سایر مطالب را هم می توانند بمانند بگیرند باید نوشته شود تجاهر و تبلیغ برضد مذهب و تجاهر بفسق در اداره و اما راجع باعمال نظر سیاسی آنهم باید معین شود که اعمال نظر سیاسی یعنی چه و طرز آن باشد که هر روزه برای مردم اسباب زحمت شود و هر کس مرانامه خود را نشان بدهد مثلاً اسم او را اعمال نظریات سیاسی بگذارند و اعمال فرض می نمایند بنابر این برای آن نباید حدودی معین نمود

مخبر- این مسئله واضح و معین است که اعمال نظریات سیاسی چه چیز را می گویند مثلاً عیبی نخواهد داشت اگر شخص کسی را بمشکلی خودش دعوت کند ولی اعمال نظریات سیاسی این است که مثلاً دو نفر مسلکشان بایک دیگر مخالف باشد و باهم ضدیت نمایند و در کار تکذیب اصول نمایند تبلیغ برضد مذهب هم معلوم است بنا براین بخوبی می شود تشخیص داد اعمال نظر سیاسی

جهت و تبلیغ کدام است و نمی شود برای هر گاه معین نوشت
رئیس - آقای کازرونی
(اجازه)

آقای میرزا علی کازرونی - بنده
هم اعمال نظریات سیاسی را مجمل می دانم و ممکن است در يك موقعی رئیس اداره با هم قطار ها بخواهند اختلالی در کاریك کسی نمایند آنوقت این سبب می شود هر نسبتی بخواهند با و بدهند نظر بنده علاوه بر اینکه اعمال نظر کافی نیست ممکن است اثرات مشغولی متوجه مستخدم شود و بنده لازم می دانم توضیحاتی نوشته و هم چنین نوشته شود متجاهر بسق نباشد راجع به تبلیغات بر ضد مذهب رسمی هم لازم می دانم توضیحاتی داده شود زیرا يك وقت تبلیغات بر ضد اصول مذهب است و يك وقت بر ضد فروغ مذهب مثلاً يك وقت تبلیغ می کنند که حجاب نباشد و يك وقت دیگر تبلیغ میکنند که یکی از اصول مذهب حذف شود و منافی باصل مذهب است بنا بر این بعقیده بنده لازم است اضافه شود بر ضد اصول و فروغ مذهب اما قسمتی دیگر که می نویسد تمام بر علیه حکومت ملی بنده نمی فهمم در ماده سوم که راجع به حکومت ملی بوداتی ذکر نموده ایم و آنرا یکی از شرایط ورود قراردادیم مسلم است مستخدم هر وقت این شرط را فاند شد با الطبعه منقصل است بنابراین ذکر آن را مجدداً در این ماده لازم نمی دانم

رئیس - مذاکرات کافی نیست بعضی گفتند کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت می شود بمضمون ذیل قرائت شد
پیشنهاد می کنم قبل از تبلیغات نوشته شود متجاهر و تبلیغ بر ضد مذهب رسمی مدرس بنده پیشنهاد می کنم که در ماده ۲ بعد از نقطه اطاعت نمایند اضافه شود نسبت باریاب رجوع تمام لوازم را مراعات و تقویت و عدالت را معمول دارند

شیخ الاسلام اصفهانی
بنده پیشنهاد می کنم جمله موجب انفصال است حذف شود

دولت آبادی
بنده پیشنهاد می کنم راجع بتبلیغات بر ضد مذهب رسمی یا بر علیه حکومت ملی باوجود انفصال مجازات هم نوشته شود

معق
بنده پیشنهاد می کنم در آخر ماده هفتم نوشته شود موجب انفصال و مجازات است

حسن الحسین الکاشانی
بنده پیشنهاد می کنم ماده هفتم این طور نوشته مستخدمین باید از حدود قوانین موضوعه و نظامات مقرر احکام و اوامر روسای مافوق خود را اطاعت نمایند

و بعد از مدت یکسال که خدمت خود را بانجام رسانید تصدیق نامه درستکاری از اداره خود دریافت نماید و چنانچه بر ضد مذهب خود و بر علیه حکومت ملی اقدام کرد منفسل شود

ناظم دفتر
رئیس - این پیشنهادات ارسال می شود بکمیسیون اگر آقایان موافق باشند چند دقیقه تنفس شود ولی وقتی بیرون تشریف می برند باید اعضای کمیسیون نه نفری که برای انجام تقاضای آقایان ارومیه باید تشکیل شود انتخاب فرمائید در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید

رئیس - ماده هشتم قانون استخدام قرائت می شود

بمضمون ذیل قرائت شد
ماده هشتم - هیچک از مستخدمین نمی توانند احکام مقامات مافوق خود را که بر خلاف قوانین موضوعه باشد اجرا نمایند مگر اینکه مقام مافوق مسئولیت آنرا کتباً عهده دار شود
رئیس - آقای گروسی
(اجازه)

حاج شیخ محمد حسن گروسی
بعقیده بنده این ماده محتاج بتوضیح است برای اینکه می نویسد هیچک از مستخدمین نمی توانند احکام مقامات مافوق خود را که بر خلاف قوانین موضوعه باشد اجرا نمایند الی آخر - مگر دو قسم احکام موجود است که اگر بر خلاف قوانین باشد نمی توانند اجرا نمایند

مختبر - احکام دو قسم است یا موافق قوانین است که باید اجرا نمایند یا مخالف قوانین که آنرا نباید اجرا نمود مگر شخص حکم دیده مسئولیت آنرا کتباً بعهد بگیرد

حاج شیخ محمد حسن - بعقیده بنده موافقت را هم نمی توانند اجرا نمایند حال که توضیح فرمودید این ایراد وارد است احکامی که از خصائص مافوق نیست اگر صادر نماید مادون حق ندارد آنرا اجرا نماید و اینکه اینجا نوشته است احکام بر خلاف قوانین موضوعه را حق ندارد اجرا نماید مثل این است احکام بر خلاف قوانین غیر موضوعه را هم بایستی اجرا کند

مختبر - بنده قوانین موضوعه و غیر موضوعه را تفهیم یعنی چه

حاج شیخ محمد حسن گروسی
معض توضیح مجدداً عرض می کنم در اینجامی نویسنده مستخدمین مادون حق ندارند احکام مافوق را اطاعت نمایند مگر اینکه کتباً مسئولیت را بعهد بگیرد ولی این در صورتی است که بر خلاف قوانین موضوعه

باشد موجود است و چون
رئیس - سؤال آنرا فرمودید مختبر کنید جواب بگویند
مختبر - مسئله این است مثلاً وزیری به یکی از اجزاء امر می کند ده هزار تومان خارج از بودجه بپردازد چون این وجه در بودجه منظور نشده آن مأمور می گوید من نمی توانم این وجه را بدهم مگر اینکه کتباً عهده دار شوی بدولی اگر موافق قانون باشد باید بدون نوشته اجرا نماید
رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی
(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - بنده اساساً با این مسئله موافقم که دیسپلین اداری همیشه محفوظ بماند و مادون اطاعت مافوق را بنماید و مسئولیت مافوق را قبول نماید لیکن صلاح نمی دانم در این قانون نوشته شود زیرا در حقیقت این ماده اجازه می دهد که شخص یا قبول مسئولیت بر خلاف قانون رفتار کند و بنده مخالف با این مسئله هستم يك فرضی آقای زنجانی راجع به بودجه فرمودند که نمی شود آنرا در همه جا ماخذ فرض نمود مثلاً مطابق قانون هیچکس حق ندارد کسی را بر خلاف قانون توقیف کند آنوقت معنی این ماده این است که ما بگوئیم بر خلاف قانون توقیف بکن اما مسئولیتش را باید قبول کنی بنده تمجب می کنم چطور آن شخص می تواند این مسئولیت را قبول نماید ؟ اصلاً نباید اجازه داد کسی بر خلاف قانون حکمی صادر نماید اعم بر اینکه مسئولیتش را قبول نماید یا ننماید

مختبر - بنده مقصود آنرا تفهیم میم بوجب ماده قبل مأمورین مجبورند احکام مقامات مافوق را اطاعت نمایند حالا اگر يك رئیس آمد و گفت فلان کار را بر خلاف قانون بکن اگر اطاعت کند بر خلاف قانون است اگر اطاعت ننماید مخالف انتظامات اداری است حالا باید برای اینکار چاره فکر کرد این است که گفته می شود کتباً يك سندی می دهد که تو این کار را بکن مسئولیت آن با من است باید اطاعت کنی این يك امر ساده است و بنظر من اشکالی ندارد

رئیس - آقای جلیل الملك موافقت یا مخالف ؟

جلیل الملك - مخالفم
رئیس - بفرمائید

جلیل الملك - بنده ماده هشتم را بکلی زائد و بلکه مضر می دانم و همانطور که آقای دولت آبادی فرمودند مثل این است است که بر رئیس مافوق اجازه داده شود بر خلاف قانون رفتار کند و این صحیح نیست برای اینکه تصدیق ضمنی شده است باینکه می شود بر خلاف قانون رفتار کرد و از

طرف دیگر اگر بگوئیم مأمور مادون هیچ اطاعت نکند ادارات را می کند چون مسئول ادارات روسای ادارات هستند و اعضاء ادارات در نزد رؤساء مسئولند و رؤساء در نزد وزراء و اگر این ماده بگذرد همیشه اسباب کشمکش بین اجزاء و مدبران میشود و همراهی بامدون رجوع شود خواهند گفت برخلاف قانون است بنا بر این به بچوجه لزومی ندارد و این ماده در قانون استخدام ذکر شود برای اینکه مسئولیت هر کسی معین و این ماده بکلی زائد است
رئیس - آقای سلیمان میرزا
(اجازه)

سلیمان میرزا - البته آقایان فراموش نمی فرمائید که هر روز ما بین مأمورین دولت و رؤساء يك ترتیبی موجود است و يك احکامی شفاهاً صادر می کنند که اگر آنها را در نظر بیاوریم شاید اغلب مخالف قوانین موضوعه باشد مثلاً وزیر چون مسئول است ممکن است او امر شفاهی مادون خودش بدهد که يك کار برخلاف قانونی بکند فرض بفرمائید امروز يك وزیری بدارد نظمی اظهار کرد که برو فلان روزنامه را توقیف بکن و این بر خلاف صریح قانون اساسی است آیا مأمور می تواند توقیف بکند یا خیر ؟ البته از نقطه نظر انتظامات اداری چون وزیر امر کرده است باید فوراً برود و توقیف کند ولی از نقطه نظر قانون اساسی مخالف است و او هم باید حافظ قانون باشد و اصول مشروطیت و طرفه مملکت و ملت را در نظر بگیرد و باین جهت نمی تواند اقدام بکند از طرف دیگر اگر قبول نکند فوراً حضرت وزیر عذرا او را از اداره می خواهند بنابر این ملاحظه بفرمائید این مستخدمین درجه معرض کفایتی ها واقع خواهد شد پس بنای اینکه جمع بین هر دو نظر شود گفتیم بهتر این است مأمور سند در دست داشته باشد فرض بفرمائید مأمور بوزیر خودش امر میدهد فلان کار را انجام دهد و بنظر وزیر اینکار موافق با قانون اساسی است و بنظر مأمور مخالف قانون است در این گونه موافق امر شفاهی هم معمول است پس برای اینکه اگر مطلب محل گفتگو واقع شود منتهی سؤال در مجلس شد وزیر ممکن است بگوید من اطلاع نداشتم با اینکه بگوید مطلب را من بطور دیگر گفته بودم او بطور دیگر اجرا کرده مثلاً بگوید من گفته بودم فلانکس را توقیف کنند اما نگفته بودم که در خانه اش بزید گفته بودم اخطار بکنید یا او را در کوچه بگیرند این است که همیشه مأمورین دچار مشکلات خواهند بود بنابراین این ماده لازم است برای این که مأمورین از يك طرف قسم خورده اند از يك طرف حسن قانون دانی و حسن حفظ قوانین باید در تمام مملکت جزو

روح اهالی بشود.

این بود که این ماده وضع شد و اگر وزیر يك امری داد و مامورین دولت دیدند این امر برخلاف قانون است بوزیر تذکر بدهند که این امر برخلاف قانون است آنوقت اگر وزیر بنا بر مصلحت مملکت آن کار را لازم دانست و همچنین جمله را گفت که من مسئول هستم و ترتیب اداری نباید منظم باشد از من باز پرس خواهد شد نه از تو باید کتباً بنویسد که در موقعی که من از وزیر سؤال می کنم سند و وزیر در دست باشد مخصوصاً آقایان باید متوجه باشند که در نظمی تأمینات لای تقطع صاحب منصب بالادست به مأمور جزء خود امر می دهند برو فلان کار را بکن اگر آن مأمور جزء عمل نکند گرفتار مؤاخذه است و پدرش را خواهند خواست و خواهند گفت برخلاف نظامات اداری رفتار کرده است و اگر عمل بکند برخلاف قسمی است که خود و برخلاف قانون خواهی است این است که مامور دو طرف را گرفتیم که هم حفظ انتظامات اداری شده باشد و مأمور آن امر را اجراء بکند و هم سند کتبی داشته باشد که فردا مسئولیتی نداشته باشد

رئیس - آقای سید محمد تقی (اجازه)

آقای سید محمد تقی - بنده موافقم و عرضی نداشتم

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی موافقت

حاج میرزا مرتضی - خیر مخالفم

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا مرتضی - بنده عرض می کنم مسئولیت وزیر هم در حدود قانون است ما نباید يك سكاری بکنیم که در واقع به آنها تعلیم بدهیم که برخلاف قانون هم ممکن است رفتار بکنند مسئولیت مأمور هم باید در حدود قانون باشد و هرگاه وزیر برخلاف قانون امری داد آنها نباید در اجرائش اطاعت کنند و الا این مطلب باعث می شود که هر وزیر می تواند يك اوامری بدهد و برخلاف قانون بدهد و اعضاء جزء هم ناچارند قبول کنند و اینطور می شود که هر وزیر با قبول مسئولیت می تواند حکمی برخلاف قانون بدهد ما باید کاری بکنیم که اصلاً احکامی که برخلاف قانون است اجراء نشود و اطاعت اجزاء جزء هم نسبت بوزیر باید مطابق قانون باشد و هر کجا که برخلاف قانون باشد نباید اطاعت بکند ما می خواهیم قانون را در مملکت مجری بداریم و همان طور که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند باید حسن قانون خواهی در تمام افراد تولید شود ولی معنی این ماده بکلی این است و معنی این مطلب اینطور می شود که اگر

وزیری حکمی برخلاف قانون بداد و خود داداگر قبول مسئولیت را عهده دار شود و آن مأمور آن کار را اجرا کنند و این مطلب قانون را از بین میبرد و عقیده بنده این است کلیه مسائلی که برخلاف قانون است ولو اینکه امروز هم باشد باید مامورین اجرا نکنند و هر کجا موافق با قانون است اطاعت کنند.

مخبر - مقصود این است که اگر وزیر يك حکمی برخلاف قانون بکند آن مأمور حق دارد سند کتبی مطالبه نماید آنوقت وزیر می نویسد اینکار را بکن مسئولیتش بعهده من است و او آنرا سند می کند و می گذارد در بگش و هر وقت از او سؤال کردند می گوید بموجب این سند برخلاف قانون رفتار شود حالا اگر شد چه باید کرد و این مطلب برای این است که اگر چنین چیزی اتفاق افتاد در موقع بازخواست مأمور سند داشته باشد

رئیس - مذاکرات کافی است (جمع می گفتند)

رئیس - پیشنهادی رسیده قرائت می شود

شیخ الاسلام اصفهانی - عبارت خود ماده کافی است بنده پیشنهاد خود را استرداد می کنم

رئیس - پس ماده نهم قرائت می شود

بمضمون ذیل قرائت شد

ماده نهم - متخصمین فنی از اتباع داخله که برای خدمات دولتی لازم می شود ممکن است بموجب قرار داد های مخصوصه برای مدت معین اجیر شوند

رئیس - آقای دولت آبادی اجازه

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی این قانونی را که مامی نویسم برای استخدام می نویسم نه برای چیز دیگر معنی این ماده این است که دولت می تواند متخصمین فنی را اجیر کند مگر کسی گفته است که نمی تواند که این ماده را نوشته اند و بنده بکلی این ده را زائد می دانم

مخبر - این ماده برای این نوشته شده است که اگر متخصمین خارج از داده مدتی استخدام دولت را کردند خودشان را جزء مستخدمین رسمی بدانند و توهم نرود احکامی که برای مستخدمین رسمی است شامل حال آنها هم است مثلاً يك وقتی لازم شد يك مهندس را يكسال اجیر کنند وقتی مدت استخدامش گذشت دیگر نگویند من مستخدم دولت هستم نخواهد استفاده از مواد این قانون از قبیل حقوق تقاعدی و غیره بکند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب اجازه

آقا سید یعقوب - بنده خواستم به آقای مخبر تذکر بدهم که کلمه ممکن است (بعقیده بنده زائد است برای این که متخصمین فنی حکماً از اتباع داخله هستند مسلم است ما حتماً باید آنها را استخدام کنیم و از آنها استفاده کنیم دیگر قید ممکن است لازم نیست

رئیس - آقای عماد السلطنه اجازه

عماد السلطنه - بنده این ماده را ناقص می دانم و يك کلمه باید اضافه شود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت

حاج شیخ اسدالله - بی موافقت

رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - این ماده بنظر بنده هیچ ایراد و اشکالی ندارد و خیلی صاف بنظر می آید مثلاً يك نفری در خارج هست که در ادارات دولتی هیچ درجانی را هم طی نکرده و برای عملیاتی مثل مهندس و میکانیك و یادر کارهای دیگر دولت مجبور شده است او را اجیر کند البته باید بکنند تصور نمیکنم این مطلب اشکالی داشته باشد و خیلی صاف و روشن بنظر می آید و ماده نهمی هم هست

رئیس - آقای عماد السلطنه خراسانی اجازه

عماد السلطنه - اگرچه ترتیب مستخدمین خارجی را در ماده نهم ذکر کرده اند ولی بنده تصور می کنم شاید بعضی مواقع مستخدمین جرئی را بخواهند از خارجه اجیر کنند که محتاج به کتکرات رسمی نباشد بنابراین عقیده بنده این است که در این جا لفظ خارجه را هم بر داخله اضافه کنند که دیگر محتاج نباشد قرار داد این ها را هم مجلس بیاورند

رئیس - آقای محمد ولی میرزا موافقت

محمد ولی میرزا - بنده هم نظر آقای عماد السلطنه را تأیید می کنم که لفظ خارجه بر داخله اضافه شود و پیشنهاد هم کردیم

رئیس - آقای سلیمان میرزا اجازه

سلیمان میرزا - آقایان باید در نظر داشته باشند که اگر این اجازه را بدهند ممکن است از فردا تمام اتباع خارجه را که برای استخدام می خواهند اجیر بکنند این ماده شامل حال آنها هم بشود در صورتیکه صریح قانون اساسی است که اتباع خارجه

وقتی برای يك کاری در مملکت استخدام می شوند باید بموجب کتکرات مخصوص و تصویب مجلس باشد برای این که از نقطه نظر ملیت آن باید مجلس ملاحظه کند

و او را استخدام نمایند و این متخصمین فنی که در این ماده نوشته شده همان مستشاران و اشخاص دیگری هستند که در ماده بعد نوشته شده مثلاً فردا وزارت فوائد عامه چند نفر مهندس می خواهند و باید از يك دولتی استخدام شود مجلس لازم است از نقطه سیاست و روابط خارجی ملیت او را در نظر بگیرد و به بند این مستخدمین را که می خواهد استخدام کند از کدام ملت استخدام کند برای مملکت نافع تر است بعد از ملیت آنوقت در شرایط کتکرات او داخل شود و تمام مواد آن رای بدهد

همینطور مدت آن را معین کند که برای چه مدتی باید باشد يكسال یا دوسال این است که در ماده بعد دیگر این مسئله شده اما برای اجیر کردن متخصمین فنی داخله اهمیت و ضروری نخواهد داشت و وزراء برای هر وزارت خانه لازم بدانند معمار مهندس و غیره را می توانند با يك شرایط معینی اجیر کنند و این هم فقط برای این ذکر شده که این اشخاص پس است آنکه به موجب کتکرات مدتی استخدام شد خود را جزو مستخدمین رسمی ندانند و تقاضای ترقیع رتبه و حقوق تقاعدی نکنند و موادی که برای این ترتیبات نوشته شده شامل آن ها نشود این است که بطور اشاره ذکر شده است که برای مواقع خصوصی دولت می تواند مستخدمین فنی را قبول کند و فقط حقوقی را که برای آن ها معین کرده اند خواهند داد

رئیس - اگر آقایان موافق باشند بقیه مذاکرات می ماند بجلسه بعد

بعضی تقاضا نمودند ماده دهم هم قرائت شود

رئیس - قرائت می شود

بمضمون ذیل قرائت شد

ماده دهم - ترتیب استخدام و تعیین حقوق و مدت خدمت مستخدمین و مستشاران خارجی به موجب کتکرات های مصوبه مجلس شورای ملی خواهد بود

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - در این ماده اشخاصی را که دولت می تواند استخدام کند دو طبقه معین کرده اند یکی مستخدمین و یکی مستشاران خارجی و نظر بنده کراتی که سابقاً در همین مجلس شد نظریات آقایان نسبت به مستشار خوب نیست و بنده عقیده ام این است که آنچه دولت می خواهد از خارجه جلب کند باید بتوان متخصمین باشد نه مستشار و اشخاص را هم که دولت می آورد یا دارای درجات عالی دانسته هستند باینجهت عقیده

صورت مجلس یوم پنجشنبه پانزدهم
سرطان را آقای امیرناصر قرائت نمودند
رئیس - گویا نسبت بصورت جلسه
مخالفتی نباشد
(گفته شد خیر)

رئیس - صورت جلسه تصویب
شد.
وزیر پست و تلگراف - سه فقره رایورت
خیلی مختصر راجع بوزارت پست و تلگراف
از کمیسیون بودجه بمجلس آمده و مدتی
است طبع و توزیع شده است و گویا در سه
جلسه قبل هم جزو دستور بود ولی مذاکره
نشد و چون وقت زیادی لازم ندارد اگر
آقایان موافقت می فرمایند هر سه این رایورت
ها امروز از مجلس بگذرد

رئیس - آن لوایح کدام است
وزیر پست و تلگراف - یکی اعتباری
است از برای غرامات امانات پستی مسروقه
که چهل و سه هزار تومان و کسری است و
دو فقره دیگر برای سیم کشی های مابین
کرد و قصر شیرین و یکی هم بین تربت و
ترشیز و قم و آره و ساوه و تمام اینها هم
جزو دستور بود ولی در جلسه قبل مذاکره
نشد.

رئیس - لایحه اعتبار سیم کشی کردند
جزو دستور است و دو فقره دیگر را هم اگر
آقایان موافق باشند جزو دستور می شود
(اظهار مخالفتی نشد)

رئیس - دوسه فقره تقاضای وجه هم
بمجلس رسیده است که عرض می شود
یکی پانزده هزار تومان و کسری
برای مرمت ابنیه سلطنتی و دیگر تقاضای
سالیانه سه هزار تومان از محل کلک رانی
سطح کارون در وجه سادات کلانتری
یکی دو فقره دیگر هم راجع بحقوق
تقاضای است سابقاً دو سه فقره تقاضای
شهریه شده بود. یکی درباره اولاد یک
نفر صاحب منصب و هفت نفر آژان که در خدمت
دولت مقتول شده اند و دو فقره دیگر که
کمیسیون بودجه رایورت آنرا داده به مرض
آقایان میرسد

آقای منتصر الملک رایورت کمیسیون
بودجه را بشرح ذیل قرائت نمودند

لوايح ۲۸۱۵ و ۲۶۱۸ و ۲۶۵۸
دولت در کمیسیون بودجه مطرح و نظر باینکه
قانون استخدام از کمیسیون گذشته و در
مجلس مطرح خواهد شد و نظر باینکه در
موضوع لوايح مزبوره و نظایر آن بایستی
يك اصل کلی اتخاذ شود کمیسیون بودجه
مراجعه لوايح مذکور و فوق را بدولت
تصمیم و انتظار دارد که یا در ذیل قانون
استخدام و یا در لایحه جداگانه اصلی که
شامل موارد فوق الذکر و نظایر آن باشد
اتخاذ و پیشنهاد نماید

نصرت الدوله

رئیس - رایورت کمیسیون راجع به
سیم کشی کردند مطرح است

داشته باشد جلوگیری کنند چون یکی از
مسائل حیاتی مملکت است طلای ما را که
در مواقع خودش از مملکت ما خارج کردند
و بجای آن نقره بمملکت وارد نمودند حالیه
نقره را هم خارج و در معرض مس بمملکت
وارد می کنند از قرائت که بنده می شنوم مدتی
است يك پنجه زارهایی نقره در روسیه
مسكوك می شود که يكطرف آن شیر و
خورشید و يكطرف آن بحروف روسی
سکه خورده است و عقیده خود روسها این
است که این پنجه زارها صدی پنجاه و دو
مس و صدی چهل هشت نقره دارد در صورتی
که اینطور نیست و آن پنجه زارها را به
مسك زده اند صد هفتاد و پنج مس و صد
بیست و پنج نقره دارد و در سرحداث با
ترکها که معامله می کنند چون آنها باین
مسئله پی برده اند در وقت معامله صدی سی
تخفیف می دهند یعنی هفتاد تومان جنس
می خرند و صد تومان از آن پنجه زارها
می دهند و همچنین آنچه دوزاری نقره در
مملکت است جمع می کنند و می فرستند به
آنجا و در آنجا بهمین ترتیب سکه می زنند
و برمی گردانند بدیهی است اگر این مسئله
صحیح باشد معلوم نیست سرانجام این کار
بکجا خواهد کشید این است که بنده استدعا
دارم بوزارت مالیه نوشته شود اگر حقیقتاً
این مطلب صحت دارد ورود این سکه در
سرحداث جداً فتنه شود و از ورود آن
جلوگیری کنند علاوه يك ترتیبی اتخاذ
نمایند سکه های حاضر را هم که در دست
مردم است به وسیله ممکن است جمع آوری
نموده و از جریان بیندازند که بعدها يك
خسارت مهمی متوجه مملکت و مردم نشود
رئیس - بوزارت مالیه تذکره داده
می شود که زودتر برای جواب حاضر شود
و این اطلاعاتی را که جناب عالی دارید بنویسد
تا بنده هم بوزارت مالیه بنویسم که زودتر
در جلو گیری این کار اقدام شود

آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده هم
راجع بسد جاجرود که پانزده هزار تومان
اعتبار داده است سؤالی کرده ام چون مدتی
است آقایان وزراء برای جواب حاضر
نشده اند خواهش می کنم امر بفرمایند برای
جواب حاضر شوند.

رئیس - این یکی هم یادداشت میشود
دیگر اظهاری نیست

اظهاری نشد

(جلسه یک ربع ساعت بعد از ظهر
ختم شد)

مؤتمن الملک

جلسه ۱۱۳

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه
هیجدهم سرطان ۱۳۰۱ مطابق سیزدهم
ذی قعدة ۱۳۴۰

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر به
ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

شعبه سوم - آقایان شیخ المراقین
زاده . آقا سید محمد تقی طباطبائی . امیر
ناصر . عبد السلطنه . آقا میرزا محمد
نجات . حاج میرزا اسدالله خان . حاج
میرزا علی محمد دولت آبادی . عماد
السلطنه خراسانی . جلیل الملک . حاج
میرزا تقی خان نائینی . نصیر السلطنه .
آقا میرزا ابوالقاسم خان قیو ضات . محمد
ولی میرزا حاج سیدالمحققین

شعبه چهارم - آقایان آقا سیدفاضل
رفت الدوله . اقبال السلطان . آقا سید
حسن مدرس . آقا میرزا ابراهیم قمی
سردار معظم کردستانی . آقا میرزا محمد
صادق طباطبائی . بهاء الملک . ناظم دفتر
آقا میرزا طاهر تنبکبانی . آقا سید
کاظم یزدی . مستندالتجار . امین الشریعه
وقار الملک

شعبه پنجم - آقایان سهام السلطان
مساوات . نظام الدوله . دکر لقمان .
حاج مغیر السلطنه . حائری زاده . قوام
الدوله . حاج میرزا مرتضی . شریعتمدار
کرمانی . ملک الشعراء . آقا سید یعقوب
مستوفی الممالك . آقا شیخ ابراهیم زنجانی
مستند السلطنه

شعبه ششم - آقایان رئیس التجار
محمد هاشم میرزا . ارباب کیخسرو .
آقا شیخ محمد حسن سعادت . سردار
جنک . حاج امین التجار . آقا سید
حسین خان بلوچ . محقق العلماء . مستشار
السلطنه . آقا میرزا ابراهیم خان . ملک
آرانی . مؤتمن الملک . احتشام الدوله
نصیر دیوان . شیخ الاسلام اصفهانی

رئیس - اسامی که بشعبه او رد دوم
و سوم و چهارم باید اضافه شود

از قرار ذیل استقرا بعمل آمد

شعبه اول - آقا میرزا سید حسن
کاشانی

شعبه دوم - آقای بیان الدوله

شعبه سوم - آقای عماد السلطنه
اصفهانی

شعبه چهارم - آقای سید الملک

رئیس - این شعبه ها روز یکشنبه
قبل از تشکیل جلسه باید تشکیل به شود
و هیئت رئیسه خود را معین کند و اعضای
هم که برای کمیسیون عرایض لازم است
باید انتخاب شود

رئیس - ارباب کیخسرو

(اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده در برج نوریک
سؤالی از وزارت مالیه کرده ام متأسفانه هنوز
برای سؤال حاضر نشده اند و چون فوت
وقت هر ساعت برخلاف مملکت می افزاید
لذا شرح آنرا عرض می کنم و از مقام
ریاست تقاضا می نمایم بوزارت مالیه بنویسند
و تأکید کنند که وزارت مالیه تحقیقات لازمه
بعمل آورده و در صورتی که این مسئله حقیقت

بنده این است که چون کلبه مستخدمین
شامل هر دو طبقه می شود خوب است بهمان
کلبه مستخدمین اکتفا شود و کلبه
مستشاران از اینجا حذف شود و اگر در
يك موقعی مقتضی شد و مصالح مملکت
اجازه داد خود کلبه مستخدم شامل مستشار
هم خواهد شد ولی بنده شخصاً عقیده ندارم
به عنوان مستشار اشخاص را جلب کنیم باین
جهت حذف کلبه مستشار را تقاضا میکنم
و پیشنهادی هم کرده ام

مخبر - بمقیده بنده لفظ مستشار
بودنش بهتر است شاید موقعی می شود که
مستشار لازم می شود آنوقت باید دست
دولت بسته باشد علاوه مستشار کنترانش
بمجلس خواهد آمد اگر مجلس صلاح
دانست می گوید مستشار باشد و اگر لازم
نداشت کنترانش را رد میکند

رئیس - آقای تدین

(اجازه)

تدین - لازم نیست ما يك کلمه
که احتمال می دهیم در يك موقعی لزوم پیدا
خواهد کرد و بمقیده بنده هیچوقت صلاح
ایران نخواهد بود مستشار بیار و در قانون
ذکر کنیم

همان کلمه مستخدمین کافی است

رئیس - آقای تدین پیشنهاد
کرده اند لفظ مستشار حذف شود ارسال
می شود بمجلس و جلسه آتی روز یکشنبه
چهار ساعت قبل از ظهر دستور اولاً لایحه
راجع به سیم کشی بین کردند و فقره ثانیاً
بقیه شود اول در همین قانون

حائری زاده - اگر صلاح میدانند
رایورت کمیسیون مبتکرات راجع بانتراع
حکومت ابرقوا از اصفهان هم جزئی دستور
بشود

رئیس - چون شعبات باید امروز
تجدید شود بقرعه معین می شود هر شعبه
پانزده نفر خواهد بود غیر از شعبه پنجم و
ششم

آقایان منتصر الملک و امیر ناصر بقرار
ذیل استقرا نمودند

شعبه اول - آقایان وکیل الملک .
رکن الملک . شیخ الاسلام ملایری .

آصف الممالك . حاج شیخ محمد حسن
کروسی . حاج میرزا عبدالوهاب بیان
الملک . آقا میرزا علی کازرونی . سردار

مفخم . تدین . ناظم العلماء . ملایری
صدرالاسلام . فتح الدوله . سلیمان
میرزا

شعبه دوم - آقایان لسان الملک
حاج سید محمد باقر دستغیب . مصمم
السلطنه . مؤتمن السلطنه . حاج شیخ

اسدالله . منتصر الملک . آقا میرزا هاشم
آشتیانی . عمید الممالك . سالار معظم
نصرت الدوله . سلطان العلماء . آقا

میرزا شهاب الدین صدرائی . غضنفر
خان

شعبه سوم - آقایان لسان الملک
حاج سید محمد باقر دستغیب . مصمم
السلطنه . مؤتمن السلطنه . حاج شیخ

اسدالله . منتصر الملک . آقا میرزا هاشم
آشتیانی . عمید الممالك . سالار معظم
نصرت الدوله . سلطان العلماء . آقا

میرزا شهاب الدین صدرائی . غضنفر
خان